سیدنامولانا محمدبن یدعی باقر الداماد الحسینی
معروف به
میر داماد کبیر
جلد هشتم
خود آموز در علوم وفنون غریبه
در تسخیرات وختومات
واحضارات در جن وانس وموکل
در ادیعات کارگشایی وبخت گشائی وطلب فرزند
محبت ورزق وروزی وفروش متاع
فتح وپیروزی وباطل نمودن طلسمات وجادو
دفع گریه اطفال وغیره ...
تهیه وتنظیم : شیخ سعید ترابی
١

بسم اللہ الرحمن الرحیم

میرداماد کبیر

از زندگینامه استاد میرداماد اطلاعات دقیق و کاملی در دست نبود به طور مختصر به شرح زندگی آن استاد بزرگوار پرداخته‌ایم

ایشان در استان اصفهان در اطراف شهر نجف آباد در قریه‌ای اصغرآباد چشم به جهان گشود او یکی از دانشمندان علوم الهی و فقه ربانی و ارث علوم انبیاء و اوصیاست میرداماد چند صباحی در قزوین در اردوی محلی تحصیل کرده است. و در سنه ۹۸۸ از قزوین به قصد زیارت مشهد رفته میر دارای تألیفاتی نفیس در حکمت و فقه بوده است و از آنجا با علم علوم غریبه آشنا می‌گردد. گروه زیادی از علما و حکما و عرفا از محضر پر فیض میرداماد بهره‌مند شده‌اند

که هریک از اعاظم علمای زمان خود محسوب می‌شدند از
آن جمله ملاصدرا ـ ملامحسن فیض ـ ملاعبدالرزاق لاهیجی
شمس الدین گیلانی معروف به ملا شمسا ـ سلطان العلماء ـ
شمس الدین اشکوری صاحب محبوب‌القلوب ـ میر فضل الله
استر آبادی ـ ملا خلیل غازی قزوینی معروف به ملا خلیلا و
میرداماد در تشرف به عتبات از دار فانی به سوی خدا شتافت
و با اختلاف اینگونه بیان کرده‌اند «عروس علم دین را مرده
داماد» ۱۰۴۰ هـ ق یا «عروس علم دین را مرد داماد» ۱۰۴۱ هـ
ق و یا کلمه (الراضی) ۱۰۴۲ هـ ق میر داماد داری اشعار عربی
و فارسی است و اشراق تخلص میکرده و دیوان فارسی میر
داماد در سال ۱۳۵۰ چاپ شده است ملا صدرا در مورد
استاد خویش در شرح حدیث اول از شرح کتاب اصول کافی

چنین مینگارد. سیدی و سندی و استنادی در معالم دینیه و علوم الهیه و معارف حقیقه و اصول یقینیه سید اجل عالم مقدس اطهرحکیم الهی فقیه ربانی می‌داند.میر داماد را استاد بشر علامه علما زمان معمار قلوب افاضل و معیارعیون فضایل می‌نامد.

میرداماد از پدر شیخ بهائی و دائی خود عبدالعالی بن علی بن عبدالعالی کرکی دارای اجازه است بنا به استناد در بحار الانوار.

علوم غریبه علمی میراثی از انبیاء میباشد.

علوم غریبه علمی ناباور و مطمئن و صحیح می‌باشد.

علوم غریبه از برای نجات انسانها و اصلاح زندگی آنها بوجود آمده است و باید از این علم به طرز صحیح استفاده نمود علوم غریبه تنها برای استفادهٔ شخصی و یا آواره کردن و سرگردان نمودن کسی بوجود نیامده است و نیز این علم را هرگز برای منفعت خود و دنیا نیاموزید و موفق نخواهید شد مگر آنکه نیت دل خود را صاف نموده و فقط برای رضای خدا و کاربرد آن برای راضی نمودن حقوق افراد استفاده نمایید.

علم پیشگویی یکی از علوم بسیار قدیمی و ابتدایست.

بشر همیشه در صدد تدوین قوانینی بوده است تا بتواند با آن علم به اسرار زندگی پی ببرد و به آرزوهای خود دست بیابد. و در تمام زمانها همیشه در فعالیت و جستجو بوده است.

در قرون اولیه تاریخ بشر، انسانها به وسیلهٔ ستارگان، و سفیده تخم مرغ و بعضی از خطوط دست و از طرق گوناگون و غیره... به عنوان وسیله‌ای استفاده می‌کردند. وانسان را از اضطراب و نگرانی خارج می‌ساختند و او را از اخبار آینده مطلع می‌نمودند و به او امید زندگی می‌بخشیدند.

از وسایل علوم غریبه می‌توان رمل را نام برد که این وسیله اعجاز چند پیامبر بوده است از جمله حضرت دانیال نبی و حضرت داوود که با رمل پیامبری خود را به مردم اثبات

می‌کردند.

و عده‌ای هستند که خود را عالم و فاضل در علم علوم غریبه میدانند و با در دست گرفتن ابزار گذشتگان خود را رمال وفالگیر تلقی معرفی می‌کنندو ازنگرانی و مشکلات مردم سوء استفاده میکنند اینان شیاطینی هستند که فقط برای پر کردن جیب خود دست به این اعمال میزنند و حقیقت امر اینچنین نمی‌باشد و این علم فقط برای قوی شدن ایمان انسان و اعتقادات بشر به وجود آمده است.و تنها از ریاضت و عبادت در راه خدا بدبست می‌آید و باید هرگز مغرور به خود نشود بلکه ایمان خود را قوی و استوار نماید. و ای طالب این علم اگر میخواهی در این علم تحقیق کنی و از ثمرهای این علم بهره‌مند شوی

باید به نکات زیر توجه داشته باشی.

اول: اعتقاد به خدا که همه چیز و همه کار به اذن او انجام میگیرد.

دوم: باید از فرد عاملی اجازهٔ عمل دریافت کنی

سوم: عبادت و ریاضت و هر کاری به شما دستور داده شد در نهایت صداقت و خلوص نیت انجام بدهی.

چهارم: همیشه طاهر و پاک باشی و از غیبت و دروغ پرهیز کنی و دل کسی را نرنجانی.

پنجم: در نوشتن تمام تعویذات باید سمت قبله نشسته و از سوی خدا طلب فرج هر مطلب را بکنی

ششم: هرگز این علم را برای طلب دنیا نیاموز و مورد استفاده شخصی خود قرار مده

هفتم: همیشه یقین داشته باش که این علم بسیار مهم و موثر بوده و خواهد بود پس باید قدر آن را دانست.

هشتم: هرگز این علم را به نااهل و جاهل نیاموز.

راضی شدن خانواده با ازدواج

هر گاه کسی قصد ازدواج و وصلت با خانواده ای را داشته و ستاره آنها جفت بود ولی امـا خـانواده راضی نبودنـد طلسـم زیـر را در اول مـاه در روز یکشنبه در ساعت شمس نوشته و با مقداری نبات در آب جوشانده و آب را جلو درب منزل یـا سـر راه خانواده بپاشد راضی شوند.

و این طلسم را باید نوشت ☜

۷۸۶

۱۱۱ ۳ ۱۱۱

۸

۱۷ ۷ ۷ ۹ ۶ ااا ااا ااا ااا

۲ ۳ هـ هـ ۱۱۱ ۷ ۷ ۹۹

ـــــ زاده ـــــ با خانواده اش راضی شوند با ازدواج

ـــــ با ـــــ مبارک باد

یا ۱۰۸۰۲۰۱۰۲۰۳۰۰ یا ۱۱۰۰ ۵ ۶۲۰۰

ختم دعای قاموس قدرت

بدانکه این دعای جلیل القدر است و عدد کبیرش چهل و یکمرتبه و عدد صغیرش هفت مرتبه و باید از نا اهلان دریغ دان که موجب وبال نگردد .

هر گاه خواستی شروع به خواندن این دعوت کنی باید اجتناب نماید از بدی وحرام و شروع در مداومت نماید و این دعا مشهور است به قاموس قدرت و در یک مجلس بحضور قلب نود ونه مرتبه بخواند اگر بعد از آن روزی یکبار بعد از نماز صبح بخواند و قبل از ختم باید صد مرتبه صلوات بفرستد .

چون که بـه کلمـه اَسـئَلُکَ برسـد متوسـل بجناب اقدس الهی شـود و قـوت و قـدرت الهی طلب نماید .

اگر اراده برطرفشدن چـیزی دارد چـون بـا زلال ومجبوب و اوهاق رسد نیـت برطـرف شدن آن چیز نماید .

اگر مطلب تسخیر باشد چون بکلمه تَسخیرُ کُلِّ مُتَمرِّدٍ و تَکیز کُـلِّ صَعـبٍ برسـدِ قصـد تسخیر هر که را خواهد بنماید .

چون به کلمه فلا یبقی شی برسـد هـر چـه اراده دارد در دل بگذراند و چـون بـه کلمـه تفرعنه برسد باید که بحضـور قلـب در ایـن کلمـات قصـد مطلـب نمـاید بطریقـی کـه گذشت .

وقت قرائت نیمه شب است تا طلوع آفتاب و اگر شب ادینه باشد بهتر است و قبل از خواندن پانزده مرتبه بگوید [یا اَللهُ المَحمودُ فی کُلِّ فعالِه] یکمرتبه بگوید [اَنَّ اللهُ لا یُحِبُ الکافِرینَ].

بعد از اتمام ایندعا بخواند [اَللَهُمَّ بحِقِّ سِرِّ هذهِ الاَسرارِ وَ بِحقِّ اسمِکَ الاعظمِ اَسألُکَ اَن تُصَلّیَ علی مُحَمَّدٍ وَ آل مُحَمَّدٍ وَ اَن تَقضیَ حاجَتی وَ تُوَصِلنی الی مُرادی وَ تُهلِکَ عَدُوّی وَ تَدفَعَ عَنّی شَرَّ جَمیعِ خِدمَتِکَ بِحَقِّ کُن فَیَکُونُ وَ اَن تُسَخِرَلی لِجِنَّ وَ الِانس لیَغیثونی فی جَمیعِ حَوائِجِ الدُّنیا وَ مَناهِجِ الاخِرَهِ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمین

بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ الهی وَ مَعبُودی وَ
مَقصُودی وَ مَسجُودی وَ مَحمُودی سُبحانکَ
سُبحانکَ ما اَعظَمَ قامُوسُ اَلطافِکَ وَ اَعطافِکَ
وَ اَرفادِکَ وَ اَنعامِکَ وَ اِکرامِکِ و اِحسانِکَ یا
واحِدُ یا موجُودُ لَکَ عِبادَه العابِدین وَ لَکَ
سُجُودُ السّاجِدین وَ لَکَ حَمِدَ الجاهِدین وَ
اِلَیکَ قَصدُ القاصِدین وَ عَلَیکَ تَوَکُّل
المُتَوَکِّلینَ وَ اَنتَ رَبُّ العالَمینَ وَ اَرحَمُ
الرّاحِمینَ اَسأَلکَ بِرُبُبیتِکَ وَ الوُهیتِّکَ اَن
تَرزُقَنی مِن نَعمائِکَ وَ آلاءِکَ وَ ما یَکفینی وَ
یُغنینی عَمَّرَ سِواکَ یا واهِبُ یا وَهّابُ
خَلَقتَنی بِلا مُعاوِنِ وَ اَنتَ غَنیٌّ عَنِ العالَمینَ
فَارزُقنی کَما خَلَقتَنی حَتّی لا اَتَوَجَّهُ اِلّا عَلَیکَ

وَ صَلّی اللّه عَلی خَیرَ خَلقِه مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
اَجمَعینَ **هذه الدعا قاموس**

بسم الله الرحمن الرحیم الهی قدرتک لـهمت
باامواج قاموس قدرتک فظهرت فی کل
مقدرر اثار قدره عجیبته غریبه لا یبلغ کنهها
فقو العقلاء و افهام العلماء و اوهام الحکماء و
کل شیء فی قبضه قدرتک ابیر و ان ذلک
علیک سهل یسیر و انت علی کل شیء قدیر

دعا قاموس :

بِسمِ الله الرَّحمنِ الرَّحیم الهی قَد تَلاطَمتَ
بِاَمواجُ قاموسُ قُدرَتِک فَظَهَرَت فی کُلَّ
مَقدُود اثارُ قُدرَهِ عَجیب غَریبَهِ لا یَبلُغُ کُنهَها
عُقُو العَقلاءِ وَ اَفهامُ العُلَماءِ وَ اوُهامُ الحُکَما وَ
کُلُّ شَیٍ فی قَبضَهِ قُدرَتِکَ اسیرٌ وَ اِنَّ ذِلکَ

عَلَیکَ سَهلٌ یَسیرٌ وَ اَنتَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیـر وَ بِالِاسم حَقیقٌ جَدیرٌ یا شَدید یـا غـاالبطش الشَّدیدات لَکَ مَدَداً مِـن قُدرَتِـکَ وَ اَسئَلُکَ مَدَداً مِن سُلطانِکَ وَ اَسأَلکَ مَدَداً مِن قُوَّتِـک وَاَسأَلکَ مَدَداً مِن حِکمَتِکَ.

چون که به کلمه تسـخیر کـل متمـرِّد برسـد قصـد تسـیخیر نمـاید: وَ اَسئَلُکَ مَدَاً مِنـکَ لِتَسخیرِ کُلِّ صَعبٍ.

اگر اراده نماید نزد این کلمه قصد کند: وَ اِن لالِ کُلِّ مَنیعٍ وَ قَـهرِ کُـلِّ عَـدُوٍّ وَ مُحِـق کُـلِّ خَصمٍ وَ اِذهـاقِ کُـلِّ مُنـافِقٍ ذی شِـقاقٍ مِـنَ الجِنِّ وَ الِانسِ وَالهَوام.

چون بِفَلایَبقی شَیءٌ برسد هر چـه مطلـب در دل دارد بگذراند روا اسـت فَـلا یَبقـی شَـیءٌ

مِنَ المُکَوَّناتِ الاّ وَ لَیَّتَنی بِیَدیَ عَریکَتَهُ وَ
کَسرَتَ بی شِدَّةَ شَکیمتَه وَ فَرطِ عُتُوَّه
وَتَفَرعِنَهُ بِعِزَّتِکَ یا عَزیزُ یا عَزیزُ یا عَزیز یا
مُعِزُّ یا مُعِزُّ یا مَعِزَ یا مُذِلُ یا مُذِلُ یا مُذِلَ یا
مُقَدِّمُ یا مُقَدِّمُ یا مُقَدِّمُ یا مُؤَخِّرُ یا مُؤَخِّر یا
مُؤَخِّر بِکَ اَستَغیثُ فَاَغِثنی بِفَضلِکَ وَ جُودِکَ
وَ عَفوِکَ وَ اِحسانِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ یا
عَزیزُ یا ذَالعَرشِ المَجیدُ اِصرَف عَنّی شَرَّ کُلِّ
جَبّارٍ عَنیدٍ وَ صَلَّی اللهُ عَلی خَیرِ خَلقِهِ مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ اَجمَعینَ. .

محبت

هر گاه خواستی کسی را ازمحبت و عشق بیقرار گردانی بیاور ورقه سفید ۳ عدد و بر روی آن بنویس به زعفران وگلاب و در ساعت مشتری روز پنجشنبه و سپس طالب یکی همراه خود نگهدار و دومی را در آب روان بیندازد و سومی را در خاک دفن کن.

و این عزیمت را باید نوشت

بسم الله الرحمن الرحیم

یا حنان ۳ یا منان ۳ یا دیان ۳ یا برهان ۳ یا سلطان ۳ یا اسالک بنور وجهک الکریم واسک العظیم الاعظم ۱۱۱۱ ۷ ۱۱۱۱ آ و ۷ ۱۱۱ آ اللهم هسه علنا اهیا شر اهیا اذ ضنی اصباوث ایل شدی وبحق تورات وانجیل و فرقان و صحف انبیاء و ملائکم کلهم اجمعین ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم ــــ زاده ــــ عاشق و بیقرار ــــ زاده ــــ گردد

هذا یوم لا ینطقون ولا یؤذن لهم فیعتذرون

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۳۰۰ ۲۰۱۰۲۰۸۰۱۰ یا ۱۱۰۰ ۵۱۱ ۶۲۰۰

باز کردن مرد بسته

هر گاه خواستی مرد بسته ای را باز کنی به اذن خدا و توکل بر خدا باید بیاوری یک قطعه نان و به زعفران و گلاب و آب چاه عزیمت و طلسم زیر را نوشته و بخورد طالب باید داد و این عمل را باید ۷ روز انجام داد و در پایان ۷ هدیه به ۷ نفر بچه سید داد.

و این عزیمت طلسم را باید نوشت ☜

بسم الله الرحمن الرحیم

أتوین زبرالحدید حتی اذا ساوی بین الصدیق قال انفخوا حتی اذا جعله ناراً قال اتونی افرغ علیه قطراً فلما استطاعوان یظهره و ما استطاعواله فلمقاً فان هذا رحمه من ربی فاذا جاء اعدابی جلعه و دکاء و کان اغدستاحقا

بسم الله الرحمن الرحیم

ان کل نفس لما علیها حافظ فینظر الانسان مم
خلق من ماء وافق یخرج من بین القلب و الترائب
افتطمعون ان یومنوا لکم و قد کان فریو منهم
یمعون کلام الله یحرفونه من بعد ما عقلوه و هم
یعلمون بحق یا رحمن یا رحیم.
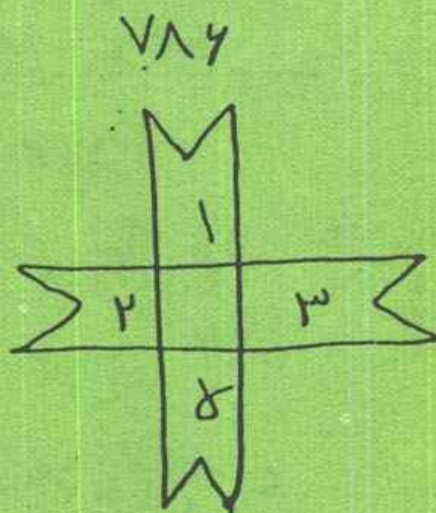
٧٨٦

٥	٧	١
٩	٢	٦
٣	٨	٤

٧٨٦

٤	٦	٢
٩	١	٨
٣	٧	٥

یا ٣٠٠ ٢٠١٠٢٠ ١٠٨٠ یا ١٠٠ ١ ١ ٥ ٦٢٠٠

احضار دزد

هر گاه خواستی بیابی دزد را بیاور یک برگ کاغذ سفید و بر روی آن بنویس طلسم زیر را و بعد در موم گرفته و در چهارراه آتش قوی روشن یکرده و آن را در آتش بینداز و این عمل را باید در روز یکشنبه ساعت شمس نوشت یا در روز چهارشنبه وَ با طهارت باشی.

و این طلسم را باید نوشت ☜

۷۸۶

دزد مال و پول ـــــ زاده ـــــ بحق هذه الطلسم بازگردد

احضار دزد

یا

غایب گریخته

هر گاه خواستی دزد یا غایب گریخته ای را احضار کنی بیاور ۷ برگ کاغذ سفید و بر روی آن بنویس اسماء زیر را در روز یکشنبه در ساعت شمس و سپس تک تک در آتش بیندازد و هر روز مدت ۷ روز مداوم انجام دهد. و برای مال باخته باید نام صاحب مال را نوشت و تاکید کند دزد منزل فلان بن فلان و و این طلسم را باید نوشت

احضار غایب

هر گاه خواستی غایبی را احضار کنی بیاور یک برگ کاغذ سفید و بر روی آن اسم زیر را نوشته و با آب ریحان و درمکانی تاریک و مرطوب دفن کرد و این عمل را باید در روز یکشنبه یا سه شنبه ساعت شمس انجام داد.

و این طلسم را باید نوشت☚

فیضعطکض فیضعطکض فیضعطکض

ــــــــ زاده ــــــ احضار گردد

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۱۰۸۰۲۰۱۰۲۰۳ یا ۶۲۰۰۵۱۱۰۰

احضار دزد

یا

غایب گریخته

هر گاه خواستی دزد یا غایب گریخته ای را احضار کنی بگو ۱۰۰۰ مرتبه یا طوطیا دزد بازآید و بعد بر یک تکه نان بنویس فرعون و ماهان و نان را چرب کرده و بخورد سگ داد و یک تکه دیگر نان بنویس نوحاید بنت لاویه و بخورد یک دختر نابالغ داد تا بخورد. دزد گرفتار شود یا بازگردد.

پیدا شدن گم‌شده

هر گاه شخصی یا طفلی گم شده و خواستی ایشان سریع تر پیدا شود آیه زیر را نوشته بر روی یک برگ کاغذ سفید در ساعت مشتری یا شمس و سپس آن را در زیر یک سنگ بزرگ پنهان کرده و سریع پیدا می‌شود و جاروی را در پشت بام سر وارونه و آسمان گذاشته و یک فاتحه برای حضرت فاطمه سلام الله علیها.

و این آیه را باید نوشت

بسم الله الرحمن الرحیم

وجعلنا من بین ایدیهم سدًا و من خلفهم سدًا

فاغشیناهم فهم لا یبصرون

بحق خادمین آیه ـــــ زاده ـــــــ

سریع بازگردد

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۳۰۰ ۲۱۲ ۲۰۸۰ ۱ یا ۱۱۰۰ ۵ ۶۲۰۰

احضار دزد

یا

غایب گریخته

هر گاه خواستی دزد یا غایب گریخته ای را احضار کنی بیاور یک تکه پوست کدو که خشک باشد و گرد شکل کرده و بر روی آن عزیمت زیر را نوشته و در بیابان جایی که عبور و مرور نباشد و کسی اصلاً نفهمد والا باطل می‌گردد و به صورت گرد نوشته و در زمین دفن کن و سنگ بزرگی روی آن بگذارد.

و این عزیمت را باید نوشت☜

بسم الله الرحمن الرحیم

قل اندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا و نرد علی اعقابنا بعد اذ هدینا الله کالذی استهوته الشیاطین فی الارض حیران له اصحاب یدعونه الی الهدی ائتنا قل ان هدی الله هو الهدی و امرنا لنسلم لرب العالمین.

ـــــــ زاده ـــــــ احضار گردد

یا ۳۰.۲.۱۰.۲.۱۰۸۰ یا ۱۱۰۰ ۵ ۶۲۰۰

رزق و روزی

رونق بازار

جهت جلب رزق و روی مغازه یا منزل باید بیاوری یک ورق کاغذ سفید و بر روی آن بنویس عزیمت زیر را در اول ماه در روز یکشنبه در ساعت شمس و سپس آن را در مغازه یا منزل پنهانی آویزان نمود.

و این عزیمت را باید سه مرتبه دنبال‌هم نوشت

بسم الله الرحمن الرحیم

یا خیر المسئولین و یا خیر المعطین وارزقنا وارزق عیالنا من فضلک الواسع فانک ذو الفضل العظیم بجلب رزق و رونق بازار

ـــــــ زاده ـــــــ یا باسط یا مغنی یا وهاب

یا شکیکفی یا قاهرو

احضار دزد

غایب گریخته

هر گاه خواستی دزد یا غایب گریخته ای را احضار کنی بنویس طلسم زیر را در روز یکشنبه ساعت شمس یا پنجشنبه و سپس آنرا در هوای آزاد بر شاخه درخت بلندی آویزان کرد تا باد او را تکان بدهد.

و این طلسم را باید نوشت

بسم الله الرحمن الرحیم

بحق یا اسرافیل

رزق و روزی

برکت دکان

هر گاه کارهای کسی بسته مانده بود و می‌خواست گشایش در کارهایش به وجود آید باید اول ماه در روز یکشنبه در ساعت شمس طلسم زیر را نوشته و همراه خود نگه دارد.

و این طلسم را باید نوشت ◄

بسم الله الرحمن الرحیم

یا وهاب یا رزاق یا ذالطول یا غنی

یا ذالجلال والاکرام یا مغنی یا باسط

یا واسع یا جواد یا کافی یا لطیف یا کریم

وح ووو

((ابر فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم)) ۷ مرتبه تکرار شود

یا ..۳.۲.۱.۲.۸.۱ یا ..۱ا۱۷..۲۶

فتح مهمات

کارگشایی

هر گاه کارهای کسی بسته مانده بود و می‌خواست گشایش در کارهایش به وجود آید باید اول ماه در روز یکشنبه در ساعت شمس طلسم زیر را نوشته و همراه خود نگه دارد.

و این طلسم را باید نوشت ☜

بسم الله الرحمن الرحیم

واذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب

دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیو

منوا بی لعلهم یرشدون ـــ اده ـــ

یا شکیکنی یا قاهرو

فتح مهمات

کارگشایی

هر گاه کارهای کسی بسته مانده بود و می‌خواست گشایش در کارهایش به وجود آید باید اول ماه در روز یکشنبه در ساعت شمس طلسم زیر را نوشته و همراه خود نگه دارد.

و این طلسم را باید نوشت ☜

بسم الله الرحمن الرحیم

۲۶ ۸۱

۲۱ ۱۱ ۳ ۱۱۱ ۱۳

۱ ه ۳

۸۱ ۹۱ ۸

یا شکیکین یا قاهر و

فتح مهمات

کارگشایی

هر گاه کارهای کسی بسته مانده بود و می‌خواست گشایش در کارهایش به وجود آید باید اول ماه در روز یکشنبه در ساعت شمس طلسم زیر را نوشته و همراه خود نگه دارد.

و این طلسم را باید نوشت ☜

بسم الله الرحمن الرحیم

اکرش اکرش اکرش

کنارش کنارش کنارش

وکیهورش وکیهورش وکیهورش

ارش ارش ارش

مستنصقوش مستنصقوش مستنصقوش

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یاشکیکفی یا قاهر

فتح مهمات

کارگشایی

هر گاه کارهای کسی بسته مانده بود و می‌خواست گشایش در کارهایش به وجود آید باید اول ماه در روز یکشنبه در ساعت شمس طلسم زیر را نوشته و همراه خود نگه دارد.

و این طلسم را باید نوشت

بسم الله الرحمن الرحیم

صح ۸۸ ح نام ااا ح ااا هـ ب

ـــــــ زاده ـــــــ

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة

بحق یا فتاح یا باسط یا هو

یا شکیکفی یاتاهرو

محبت

هر گاه خواستی کسی را ازمحبت و عشق بیقرار گردانی بیاور یک قطعه سفال آب ندیده و بر روی آن طلسم زیر را نوشته و سپس روی آتش بگذار و این عمل را باید در روز یکشنبه ساعت شمس انجام داد.

و این عزیمت را باید نوشت ☜

۷۸۶

۲	۷	۶
۹	ه	۱
۴	۳	۸

۷۸۶

ب	ر	و
ط	ه	ا
د	ج	ح

ـــــ زاده ـــــ علی حب لشدید و
عاشق و بیقرار ـــــ زاده ـــــ گردد

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۱۰۸۰۲.۱۰۲.۳۰۰ یا ۱۱۰۰ ه ۶۲۰۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را ازمحبت و عشــق بیقــرار گردانی بیاور یک عدد نعل اسب کارکردهٔ کهنــه و بر روی آن طلسم زیر را نوشــته بــا میـخ فــولاد و سپس در آتش گذاشته و بــه مــدت ۴۸ ســاعت و این عمل را باید در روز یکشــنبه ســاعت شــمس نوشت و در آتش گذاشت.

و این عزیمت را باید نوشت

توجه: روی نعل نوشت

۷۸۶

۱۳.۲	۰۱	۱۳۱۰۰	۱۲
ضق۱ ۳۱ ۱ه ۳۰۰ ۵ و ۷			

۹.۹۱:	۳۲۱:	۱۹.۹.۹.۱۶.۶.۱

توجه: درون نعل نوشت

۷۸۶

۹۹ عع ص ۳ هـ ص ۹۶۳۳۸۴۳۸۹۲

۲۸ ۸ ۳ عـ ۳ ــــــ ص ده ــــــ عاشق و بیقرار شدید

ــــــ زاده ــــــ گردد

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة

یا ۳۰.۲.۱۰.۲.۸۰.۱ یا ۱۱۰۰ ۵ ۶۲۰۰

فتح مهمات

کارگشایی

هر گاه کارهای کسی بسته مانده بود و می‌خواست گشایش در کارهایش به وجود آید باید اول ماه در روز یکشنبه در ساعت شمس طلسم زیر را نوشته و همراه خود نگه دارد.

و این طلسم را باید نوشت ☜

بسم الله الرحمن الرحیم

یا فارس الحجاز ادرکنی یا صالح المهدی
ادرکنی یا ابالقاسم ادرکنی گشایش شود
در حق ـــــ زاده ـــــ گردد

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا شکیکفی یا قاهرو

محبت

هرگاه خواستی کسی را عاشق و بیقرار خود گردانی بیاور یک عدد سفال آب ندیده و بر روی آن بنویس عزیمت زیر را با مداد قرمز رنگ و بعد آن را داخل آتش قرار داد و ۱۶ مرتبه عزیمت زیر را بـــر روی آن بخــوان و هنگام انجام عملیــات بـاید بخـور کـرد بـه سوسن لبان ـ کسبره و صندل ســـرخ و روز یکشنبه ساعت مشتری یا شمس انجام داد.

و این عزیمت را باید نوشت ☜

ناطش ۲ اهمطط ۲ اشکه ۲ ملکه ۲ بالوکه ۲ بطنش توکلوا یا خدام هــذه الاسـماء بالقـاء محبه کـذا فـی قلـب کـذا بحـق لـیروش ۲ حاروش ۲ زروش ۲.

چهارده حرز صحیح

حرز جناب پیغمبر این است

یا مونس المستوحشینَ یا اَنیسَ المنفردین یـا ظـاهرَ المنفطعیَن یا قوَه المستظعفین و یـا کـنزالفقراء و یـا مَوضِعِ شَـکوی الغُربـاءَ و یـا متفـرِدا بـالجلال و یـا معروفا بالسؤالِ و یا کِثیرالافضالِ اَغِثنی عِندَ کربتی و صلی الله علی محمدٍ و الِه اجمعین.

حرز حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام

بسم اللّه الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوّه الا بـالله

العلی العظیم ایّاک نعبدُ و ایّـاکَ نَستعین یـا اَلله یـا

رحمنُ و یا رحیم یا احد یا صمدُ یا اَبَدُ یا الهَ محمدٍ

اِلَیکَ نُقِلَتِ الأقـدامُ و اَفضَـتِ القُلـوبُ وَ شَـخَصَتِ

الأبصارُ و مدّت الاعناقُ و طلـب هحوایـج وَرفِعَـتِ

الایدی اللهم افتَح بَینَنا وَتبَنَ قومِنا یـا محـقَ وَ اَنـتَ

خَیرُالفاتحینَ و در همه شدائده الهَ الا اللهُ وَ الله اسرَءُ

حرز حضرت فاطمهٔ زهرا سلامُ الله علیهما

بسم الله الرحمن الرحیم بِرَحمَتِکَ اَستَغیثُ فَاغثنی

وَلا تَکِلنی الی نَفسی طَرفَةَ عینٍ وَ اَصلِح لی شَانی

کُلَّه

حرز حضرت اما حسن علیه السلام

یا شدید القوی و یا شدید المحال یا عزیز اذللت

بعزتک جمیع خلقک صلّ علی محمدٍ و اله واکفنی

مُؤنَةَ فُلانٍ بِما شئتَ و بجای فلان نام آن انکسرا

باید گفت که از او خوف داری یا دفع او را

منحوسست و خواندن این دعا بعد از فریضه مغرب

با دو رکعت نماز بهر نهو سوره که خواهد و بعد به سجده رود برای دفع دشمن تاثیر عظیمی دارد.

حرز امام حسین سلام الله علیها

اَللهم اِنّی اَسئلُکَ بِکَلِماتِکَ وَ بِمَعاقِد عَرشِکَ و سکّان سَمواتِکَ وَ اَرضِکَ وَ اَنبیاء و رُسُلِکَ اَن تَستَجیبَ لی فَقَدرَهَتنی مِن اَمری عُسراً فَاسئَلکَ اَن تُصَلّیَ عَلی محمدٍ وَ الِ محمدٍ وَ اَن یَجعلَ مِن اَمری یُسراً بعد از فریضه موجب فتح و فرج و غلبه بر دشمن و انسانی و کارها و قضای دین و شرح

به من كُلٍّ ما نَظَرَتِ و جَعَلنا من بين اَيـد بِـهم سَـدّاً

فَاَغشَيناهُم فَهُم لا يُؤمِنونَ وَ كَفى بِـاللهِ وَليّاً و كَفـى

باللهِ نَصيراً.

حرز امام محمد باقر صلوات الله و سلامه عليه

اللّهُمَّ يا نورَ السَّمواتِ وَ الأرضِ جَميعاً يا مَن خَضَعَ

لِنوُره وَ كُلُّ جَبّارٍ وَ ذَلَّ لهَيبته اَهلُ الأفظار وَ همـدَ وَ

كَنَدَ جَميعُ الاسرارِ خـاضِعينَ خاشِـعينَ لِايمـاء ربَ

العالمين حَجَبتُ عَنّى خِيارَ ضَـرُورِ الـهَوآء وَ مُستر

فِالسَّمعِ مِـنَ السَّـماءِ وَ خِـلال المَنـازِلِ وَ الدَّيـارِ وَ

المغيبرَ بِالاسحارِ وَ البارزِ فى اطهار النـهارِ حجبتكـم

مُوَزَجِرتُکُم معاشِرَ الجنَّ و الانسِ وَ الشیاطینِ بِاَسماءِ

المَلِکِ الجَبّارِ العَظیمِ القهارخالِقِ کُل شیءٍ بِمقدارِ لا

تدرکه الابصارُ و هُو یُدرِکُ الابصارَ وَ هُوَ اللَطیفُ

الخَبیرُ لا ملجاً لَکُم من صَواعِقِ القران المبین و

عظیمَ اَسماء ربُّ العالمین لا ملجاً لِوارِدکم وَ لا

مَنفذَلَها مِن رَکَبته التبسیطِ وَ نِزاعِ المحیط و دَوا؟

التحیطه نوابعکم محبوس و طالعکم منحوس و

شامخ عزّکم مَنکوُس فاستبنو اَحیاناً و غزّفوا اَشتاناً وَ

تواقَعوا بِاَسماء اللهِ العَلیم اَمواتاً وَ الله الغالبُ و اِلیه

ترجع الامور وَ هو الحکیم الخبیر.

حرز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

استَعز بِـه اغـاذَنی واذا اسـتجرت و بـه عندالشـدائد

اَجارَنی وَ اذا استنغث بِه عنـدَ النوائـبِ اَغـاثَنی وَ اذا

استنصرت بِه عَلی عِدوی نصرَنی وَ اَعاننی اللـهم انَ

الیک المَغزَع وَ اَنتَ ؟ مَنع عنّی مَز اَرادَنی بامَرُ بَخـی

نوحاً مِن القوم الفاسفین یا مَزنَجیی لوطاً مِـن القـوم

العادّین یا مَزبحی محمداً من القوم الکـافرین نَجّنـی

من اَعدائی بِاَسمائک یا رَحمن یا رَحیم لا سبیلَ لهم

علی مِنَ العَوّذَ بِالقُرآنِ وَاسـتَجارَ بـالرَحمن الرحمـنُ

عَلیَ العَرشِ استَوی اَنَ بَطشَ رَبَکَ قبول تَشدید انَّـهُ

هُوَ یُبدی وَ یُعیدُ وَ هُو الغفورُ الوَدودُ ذوالعرش المجید فان تَولَّوا فقل حَسبیَ اللهُ لااِلهَ هُوَ عَلیهِ تَوَکّلتُ وَ هُو رَبّ العَرش العظیم.

حرز حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

آنحضرتَ را ادعیه و احراز بسیار است ولیکن بدین دعا همیشه مداومت مینمودهاند : یا خالقَ الخَلق یا باسِطَ الرِّزقِ یا فالِقَ الحَب یا بارِیء النَّسَم و محیی الموتی و مُمیتَ الاحیاء و یا دائمَ الثّنا وَ مُخرجَ النّباتِ افعل بی ما انت اَهلُهُ فَانّکَ اَهل التّقوی وَ اَهلُ المغفره اللّهم اِنّی اَسئلک الرّاحه عند الموت و العفو عندالحساب و در آخر دعاها مکرر میگفت عَظُمَ الذّنبُ مِن عَبدِکَ فَلیَحسِنُ العَفوُ مِن عِندِک

دعای دیگر در نزد وزیدن باد : اللّهم اجعَلنـا عَلَینا رَحمهً وَ عَلی الکافرینَ عَذاباً وَ صَلّی اللهُ عَلی محمدٍ وَ الِه.

حرز امام رضا سلام الله علیه

استَسلمتُ یـا مَـولایَ لَـکَ وَ اَستَسـلَمتُ ؟ الَیـک وَ تَوَکَلـتُ عَلَیـکَ فـی ؟ وَ اَنـا عَبـدُکَ اَیـن عُبَیدُـکَ فَاَحیانی اللّهم فی سرّک عَن شِرار خَلقِکَ وَ اَعطنـی مِن کُلَّ سُوءٍ وَ اَذیً بِمَنّکَ وَاکفِنی شَرّ کُـلّ ذی شَـر بِقدرتک اللّهم مَن کادَنی وَ ارادَنی فَاِنّی اَرُدُهُ بِکَ فی سِحره وَ اَستَعینُ بِکَ عَلیهِ وَ اَستعیذُ مِنـهُ بِحَولِـکَ وَ قُوّتِکَ فَسئَل عَنّی اَبصارَالنّاظرین اذ کُنتَ ناصِراً الـی لا الهَ الا اَنتَ یا ارحم الرّاحیم یا اله العالمین اَسـاَلک کِفایَه‌َالاذی وَ العاقِبَهَ و الشِـفاءَ وَالنَصرعَلـیَ الأعـداء وَالتّوفیقَ لما نُحِبُ وتَرضی یا رَبُّ العالَمین یا جَبّـارَ

السَّموات وَ الارَضینَ یا رَبَّ مُحمدٍ وَ الـه الطّـاهرین صَلَواتکَ عَلَیهم اَجمَعین.

حرز حضرت امام محمد تقی علیه اسلام مشهور به جواد

دعائیست مشهور به بـازوبند حضـرت امـام محمـد تقی کهِ باید بر ورق پوست آهوی نهامـه نویسـند و لوله نقره بسازند و در از لوله بعـد از نقـش بسـمله دعای یا مشهور را فی السموات را نقش کند از اول تا آخر و دعای مزبور را پیچیده و در لوله گذارند و در بازوی راست ببندند در وقتی که قمر در عقـرب نباشد و در حین بستن اول باید چهار رکعـت نمـاز بگذارند و در هر رکعت بعد از فاتحه هر یک از ایه الکرسی و شهدالله و سوره الشّمس اللیـل و توحیـد را هفت بار بخوانند و ایندعا را ببندند از همهٔ بلیات

محفوظ مانند و اگر لشکرهای روی زمین از جن و انس هجوم آور شوند با تیغ برهنه حامل این دعا را افتی نرسانند چنانچه به آن حضرت نرسید این است:

بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیم اَلحَمدُ لِلهِ رَبِّ العالَمینَ تا آخر اَلَم تَرَ اَنَّ اللهَ سَخَّرَ لَکُم ما فی الارضِ وَ الفُلکِ یَجری فی البَحرِ بِاَمرِه وَ یُمسِکُ السَّماءَ اَن تَقعَ عَلَی الأَرضِ اِلا بِاِذنِه اَنَّ اللهَ بِالنّاسِ لَرَئوفٌ رَحیم اَللّهمَ اَلمَلِکُ الدیّانُ یَوْمَ الدّینِ یَفعَلُ ما نَشاءُ بِلا مُغالَبهِ وَ تُعطی مَن تَشاءُ بِلا مَنٍ وَ تَفعَلُ ما تَشاءُ وَ تَحکُمُ ما یُریدُ وَ تُداوِلُ الأیّامَ بَینَ النّاسِ وَ تَرکَبُهم طَبَقاً عَن طَبَقٍ وَ اَسألُکَ بِاِسمِکَ المَکتوبِ عَلی سُرادِقِ السَّرائِرِ السّابِقِ الفائِقِ الحَسَنِ المُبارَکِ الجَلیلِ البَصیرِ رَبِّ المَلائِکَه الثَّمانِیَه وَ العَرشِ الَّتی لا یَتَحَوَّلُ وَ اَسألُکَ بِالعَینِ الَّتی لا تَنامُ وَ بِالحَیوهِ الَّتی لا

تموتُ وَ بنورِ وَجهِکَ الّذی لا یُطفأُ وَ بِسمِ الله
الأکبَرِ الاکبَرَ الأ الاکبَرَ وَ بِالاسمِ الأعظَمِ الأعظَمِ الّذی
هُوَ مُحیطٌ بِمَلَکوتِ السَّمواتِ و الارضِ وَ بِاسمِ
الّذی اَشرَقَت بِهِ الشَّمسُ وَ اَضاءَ بِهِ القَمَرُ وَ
سَخَّرتَ بِهِ البُحورُ وَ نَصَبتَ بِهِ الجبالُ وَ بِالاسمِ
الّذی امامَ بِهِ العَرشُ والکُرسیُ وَ بِاسمُکَ المَکتوبَ
عَلی سُرادقِ العَظیمه وَ بِاسمِکَ المَکتوبِ عَلی
سُرادق البِهاءِ وَ بِاسمِکَ المَکتُوبِ عَلی سُرادقِ
القُدرَهِ وَ بِاسمِکَ العَزیزِ وَ بِاسمائکَ المدسّاتِ
المُکرَّماتِ المَخزوناتِ عِندکَ فی عِلمِ الغَیبِ وَ
اَسألکَ من خَیرکَ خَیراً و تمام ممّا اَرجُو وَ اَعُوذُ
بِعِزَّتِکَ وَ قُدرَتِکَ مِن شَرِّ ما اَخافُ وَ اَحذَرُ وَ ما لا
اَحذَرُ یا صاحِبَ محمدٍ و یا صاحبَ یوم حنینِ عَلی
یَومَ صَفّین کُنتَ یا رَبٌّ مبینَ الجَبّارینَ وَ قاصِمُ
المتکَبّرینَ اَسالکَ بِحَقّ طه و یسن و القرآن الحَکیم

و الفُرقانِ العَظیم اَنْ تُصَلّیَ عَلی مُحمدٍ وَ ال مُحمَّـدٍ
وَ اَن تُشَدَّ بِهِ عَضدَ صاحِبَ خُذِالعَقدِ وَ اَدرءَ عَلَیکَ
فی بَحر کُلّ جَبّـارِ عَنیـدٍ و شَیطانِ مَزیـدٍ وَ عَـدوٌ
شَدیدٍ وَ عَـدوٌ مَنکَرَالاخـلاقِ وَ اجعَلـهُ مِمَّـن اُسَـلَمُ
اَلیکَ نَفسَهُ وَ فَوّضَ اِلیک امرهُ و الجلا اِلیـک ظَـهرهُ
اللّهم ذَکر بها و قرانُها و آتنـا عَـرف بِحقّـها منّـی و
اَسالک یـا ذَالمـن العظیـم و الجـود الکریـم ولـیَ
الدّعوات المستجاباتِ و الکَلماتِ التامات و الاسماء
النافذاتِ و اسالک یا نور النهار و یا نور اللیـل و یـا
نور السماء و الارض و یا نور النّور و نوراً یضی بـه
کلّ نورٍ یا عالم الخفیّات کلـهّا فـی الـبر و البحـر و
الارض و السّماء و الجبال و اسالک یا من لا یفنی و
لا یبید و لا یزولُ و لا لهُ شی موصوف و لا الیه حدّ
منسوب و لا معه اله و لا اله سواه و لا له فی ملکـه
شریک و لا تضاف العزّالا الیه و لم یزل بـل العلـوم

عالماً و علی العلوم وافقاً و للامورنا بهما و باللینونه
عالما و بک تدبیر محکماً و بالحقّ بصیرا و بالامور
خبیرا انت الذی خشعت لک الاصوات و ضلّت
فیک الاحلام و ضاقت دونک الاسیات و ملا کل
شیَ نورک و جل کلّ شیٍ منک و هرب کلّ شیٍ
الیک و انت الرفیع فی جلالک و انت العظیم فی
قدرتکَ و انت الذی لا یدر کل شی و انت العلی
الکبیر مجیب الدّعوات قاضی الحاجات مفرّج
الکربات ولیّ النعّماء و یا من هو فی علو من دانٍ و
فی دنوّم عالٍ و فی اشرافیه منیر و فی سلطانه قویّ
و فی ملکه عزیز صلّ علی محمد و آل محمد و
احرس صاحب هذا العقد و هذا الحرزو هذا
الکتاب بعینک التی لا تنام و اکنفنبه برکنک الذّی لا
یرام و ارحم بقدرتک علیه فانّه مرزوفک بسم الله و
باللهٔ الذی لا صاحبته له و لا ولداً بسم الله قوّه الشّان

عظیم البرهان شدید السّلطان ما شاءالله کان و مالم
یشائم یکن اشهد انّ نوحاً رسـولُ الله و ان ابراهیم
خلیل الله و ان موسی کلیم الله و ان عیسی بن مریم
صلوات الله و سلمه علیه و علیهم کلمته و روحه و
انّ محمد صلّی الله علیه و اله خاتم النّبیین لا بشی
یعلم و اسالک بحق النساء الّتی یونی فیها و بابلیس
الّعین یوم القیمه و بقول ابلیس فی تلک السّاعه ما
انا الأ یهیج مرده الله نورالسّموات و الارض و
هوالقائم و هو الغالب له القدرته السّابقه و
هوالحکیم الخبیر اللّهم انّی انا لک بحق هذه الاسماء
کلّها و صفاتها و صورتها و هی

سبحان الذی خلق العرش و الکرسی و اسالک ان
تصرف صاحب عن کتابی هذا کل سوء و محذور
فهو عبدک ابن عبدک و ابن امتک و عبدک و انت
مولاه نفسه بیدک اللّهم ؟ کف الاسواء کلّها وافمع
عنه ابصار الظاهر و اقسنه المعاندین و المریدین له
السّوء و الضار و ادفع عنه کل محذود و مخوف و
امی سعبد من عبیدک و انه من اماءک و سلطان
مارد او شیطان او شیطانه و جنی او جنیه او غول او
عوله اراد صاحب کتابی هذا بظلم او ضراً و مکر او
کیدا و خدیعه او بکتابه او سعایه او فساد او ودن
خیر یه غرق او فظلام او عظب او مغالیه او غدر او
نهرا و هتک ستر او اقتدار او افه او ماههاو قتلا و
حرقا او انتقام او اسفام او قطع او سحر او مرض او
سقم او برص او بؤس او افه فاقه او سقب او
عطش او وسوسه او نقص فی دین او معیشه فاکفه

بما شئت و ابی شئت و کیف شئت انّک علی کل
شی قدیر و صلی الله علی محمد و اله اجمعین و
سلم تسلیما کثیرا یا ارحم الراحمین و لا حول ولا
قوه الا بالله العلّی العظیم و الحمد لله رب العالمین و
برنقره خالص این را نقش کند با خود نگه دارد. یا
مشهورًا فی السموات و یا مشهورًا فی الارض و
یامشهورًا فی الدّنیا و الاخره جهدت الجبابره
الملوک علی اطفاء نورک و اخماد ذکرک فابی الله
الا ان یتمّ نوره و یبوح بذکرک و لوکره المشرکون.
و رایت فی نسخه فانبیت الا اتمّ نورک اقول اما
قوله فابی الله الا اکبر ان یتم نورک لعلّه یغنی ایهّا
الاسم الاعظم المکتوب هذا فی بحر بصوره
الطلسم و وجدت فی الجزءالثالث من کتاب
الواحده عن ازالمراد بقوله یا مشهورا فی السّموات
الی اخره هو مولانا امیرالمؤمنین معک.

حرز حضرت امام علی النّقی سلام الله علیه

یا نور یا برهان یا مبین یا منیر یا ربّ اکفنی شرّالشرور و افات الدّهور و اسئلک النّجاه یوم ینفخ فی.

حرز حضرت امام حسن عسکری سلام الله علیه

یا عزیز العزّ فی عزّ یا اعزّ عزیز العزه فی عزّه عزّتی بعزّتک و ایدّنی بنفسک و اطرد عنی بهمزات الشیاطین و ادفع عنّی بدفعک وامنع بیمنی بمنعک واجعلنی من خیار خلقک یا واحد یا احد یا صمد.

حرز حضرت قائم عجل الله فرجه

یا نور النور یا مدبرالامور یا باعث مـــن فـی القبـور صل علی محمد و ال محمد و اجعل لی و یسـتعنی من الضیق فرجا و اوسع لنا المنهج و اطلق لنـا مـن عندک ما یفرح و افعل بنا ما انت اهله یا کریم.

* *

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور یک عدد تخم مرغ تازه که نور آفتاب بر آن نخورده باشد و بر روی آن بنویس عزیمت زیر را و سپس آن را در بین ۳ قطعه فلز که از جنس آهن باشد بگذار به صورت سه راهی و تخم مرغ وسط باشد و بعد آتش قوی روشن کرده و آهن وتخم مرغ ها را بین آن بگذار و این عمل را باید در روز شنبه در ساعت مشتری انجام داد و بخور هنگام این عمل صندل سرخ و مقبل ارزق و سندروس و کندر می باشد .

و این عزیمت را باید بر روی تخم مرغ نوشت .

۷۸۶

طه اطهوت طور حیث رابطه طموه طور قدر حیث زابا توکلوا یا خدام هذه الاسم بجلب و حرق قلب وجذب عقل فلان زاده فلان الی محبه و عشق فلانه زاده فلان .

الوحا ۳ العجل ۳ الساعه ۳

یا ۳۰۰ ۲۰ ۱۰ ۲۰ ۸۰ ۱۰ یا ۱۰۰ ۱۰ ۵۱ ۶۲۰۰

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور یک عدد سفال آب ندیده و بر روی آن بنویس طلسم زیر را و سپس آنرا باید در آتش قوی گذاشت و این عمل را باید در روز یکشنبه ساعت شمس انجام داد یا روز چهارشنبه و هنگام نوشتن باید صندل سرخ و عود خوشبو بخور کرد و در پایان کار یک فاتحه و ۱۰۰ صلوات بر روح پیغمبر هدیه نموده.

و این طلسم را باید نوشت ☜

۷۸۶

۱۲	۳۲	عجی عحن	سه سم
۶	ه۴م۴	۳۲	۲۶

۱۱۷۶۱۱ ص ۱۱ص ۱۱۱ی ۹ ه ح ه

۶۱۱۱۲۱۱۱ م ۱۱۱ ع ۱۱ ع ۲ ع ه

الوحا ۳ العجل ۳ الساعه ۳

یا ۱۰۲۰۳۰۰ ،۸۰۲۰ یا ۱۰۰ ۱۱ ۶۲۰۰۸

جدایی

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر آنکه شخص مستحق آن باشد.

هر گاه خواستی بین دو نفر که با هم رابطه حرام دارند جدایی بیفکنی باید بیاوری ورقه ای کبود مایل به مشکی و به قلم مشکی طلسم زیر را نوشته در ساعت زحل روز شنبه آخر ماه و بعد آنرا در منزل یا مکانی یکی از طرفین دفن باید و هنگام نوشتن بخور کرد به زردچوبه و در پایان ۲۱ مرتبه سوره الفیل را بر روی ورقه خوانده.

و این طلسم را باید نوشت:

۷۸۶

۱۱۱ و ۱۱۱ و ۱۱۱۱۱۱۱ ه‍و ۲۱۸ ۷سم ۱۱۲۱۱۲

فلان را فلان علی تفریق و بغض لشدید فلان را فلان

یا جبار ۱۳ مرتبه یا قابض ۱۳ مرتبه

یا شکیفی یا قاهر

جدایی

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر آنکه شخص مستحق آن باشد.

هر گاه خواستی بین دو نفر که با هم رابطه حرام دارند جدایی بیفکنی بیاور یک قطعه سفال آب ندیده و برروی آن بنویس طلسم زیر را با قلم سیاه و هنگام نوشتن باید بخور کرد به زردچوبه و سپس آنرا باید در آتش قوی گذاشته و مقداری نمک روی آن گذاشته و این عمل را باید در روز شنبه ساعت زحل آخر ماه انجام داد و ۲۱ مرتبه سوره الفیل را بر روی آن و با طهارت باشی.

و این طلسم را باید نوشت:

۷۸۶

۰۵۵۵۵۱۱۱۱۱۱۵ ۹۹۹۱۱۵۵۵

فلان بن فلان ملک بعض لشدید فلان بن فلان

ط ط ۸۱۱۱۱۳۱۲ هی هی ی

یا ۱۰۸۰۲۱۰۲۳۰ یا ۶۲۰۰۵۱۱۰۰ یا ۸۰۰۲۱۱۰۰۱

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور ۳ قطعه سفال آب ندیده و به ترتیب بر روی آنها بنویس خاتم‌های زیر را و بعد یک یک در آتش باید انداخت و این عمل را باید در روز جمعه در ساعت زهره انجام داد.

و این خاتم‌ها را باید نوشت ☜

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور ۳ عدد ورق کاغذ سفید و بر روی هر کدام بنویس عزیمت ذیر را و بعد کاغذها را در پارچه نجس یک زن گذاشته و با روغن زیت آغشته کرده و در آتش قوی می اندازی تا بسوزد و هنگام این عمل باید بخور کرد به صندل سرخ و کندر و سندروس و این عمل را باید در روز یکشنبه یا پنجشنبه در ساعت شمس انجام داد .

و این عزیمت را باید نوشت.

۷۸۶

احرق ادعق بدعق اشماخ کی هی ش می ریو تاکی هی شیطیون توکلوا یا خدام هذه السماء واجلبوا و هجیوا قلب فلان زاده فلان بمحبه فلان زاده فلان و ان کان نائماً ایقظوه و ان کان قاعداً اوقفوه و ان کان قائماً مشوه و ان کان ماشیاً جروه و ان کان جاریاً زیروه و احضروه حتی یاتی الی فلان زاده فلان یاتی الی فلان زاده فلان

یا ۱۰۸۰۲۰۱۰۲۰۳۰۰

مباشرت غذا

حکما گفته‌اند که بهترین وقت مباشرت آن است که غذا در معده قریب هضم رسیده باشد. اگر معده پر باشد و عمل نزدیکی انجام دهی باعث حدوث انواع امراض است و رعایت این امر برای زن و مرد هر دو را لازم است.

بساط مباشرت انگار منبسط گردانند که شهوت صادق بود و ادعیه منی ممتلی باشد به غیر وقوع باعث خارجی مثل خیال جماع و مساس و ملاعبت و امثال آن و مباشرت تبکلف و الحاح یعنی به خیال مجامعت و مساس و ملاعبت شهوت را آماده کرده مرتکب اینکار شوند .خالی از تکلیفات

نیست و این قسم شـهوت‌رانی بسـیار ضـرر

دارد و آخرآلامر ضعف در باء می‌آورد و بعد

از ریاضیات شاقّه و اسـهال و قـی و قصـد و

بیخوابی بسیار و وقت تقاضای بـول و بـرازو

بعد ثعب مفرط و در وقـت شـدت حـرارت

موسم از این کار احـترامی آیـد تـا بـه آفتـی

حادث نگردد.

حکما اقل مدت فاصله مباشــرت کمـتر از ۳

روز مقرر نداشته‌اند زیرا که منی نیز قســمتی

از استفراغ اسـت و حکمـا در هـر اسـتفراغ

مـهلت سـه روز را لازم دانســته‌اند و بعـد

مقاربت ذکر را به آب شستن یا فی‌الفـور آب

خـوردن یـا غسـل بــه آب کـردن بـاعث

استراحت و دوری از سستی کمر و عروق ذکر گردد.

بعد مجامعت و انزال هر که فی‌الفور بول کند خواه قطره باشد هیچگاه وی را سستی عروق قضیت حادث نگردد.

بعد جماع ضروری است که چیزی از اغذیه چرب و شیرین که مفرّح و مقوی دل و دماغ و جگر و کلیتین و مولد منی و مقوی اعصاب باشد تناول نمایند.

در این وقت بهترین غذا آن است که شیر گاو به وقت جوشیدن آن چند دانه خرما در آن انداخته باشد و خالص به قدر خواهش بخورند.

اگر شیر موافق مزاج نباشد قدری شهد خالص تناول نماید و علی‌القیاس سر شیر گاو که آن را بهندی بالائی گویند شکر آمیخته بخورند یا از قسم نان شیرینی و حلوا هر چه قدر که میل خاطر دارد بدان بخورد.
اگر ۲۰۰ گرم مغز بادام و ۵۰ گرم نبات سفید با یک لیوان شیر گاو مخلوط کرده بخورند علی هذالمقیاس و حلوای گندم تقویت فراوان باشد.
در این وقت بعد غذا فی‌القور آب سرد نخورند و اگر تشنگی غالب باشد آب گرم بخورند بهتر است و سرد ضرر دارد.

در بیان اسباب ضعف باء و تدابیر

آن واضح به او که نقصان باء بر دو قسم است:

قسمت اول آنکه شهوت ضعیف شود.

قسمت دوم آنکه قضیت سست و مسترخی گردد تا آنکه شهوت ضعف پدید آید اسباب و علامات آن چند است.

اول آنکه به علت نیافتن غذا بدن ضعیف و لاغر شود و بدان سبب روح و ریح و خون که ماده شهوت است کمتر گردد علامت آن نحافت بدن است و ضعف و قوت و زردی رنگ و قلت غذا علاج آن است که جهت قوت بدن غذای لطیف سریع الهضم

سائیده در آن مخلوط نمایند و هر روز به قدر خواهش ناهار تناول کنند.

سوم آنکه مدتی جماع متروک گردد و از آن جهت ضعیف درباره ظاهر شود علاج آن است که کتابهایی که در آن بیان جماع و وصف معشوقان باشد مطالعه کنند و تسافد حیوانات ملاحظه کند.

چهارم آنکه به علت تعب مفرط یا مرض طویل یا غم و الم و امثال آن دل ضعیف شود و به سبب ضعف دل ضعف در باء پدید آید. علاج آن است که به تقویت دل کوشند و معاجین و شربهایی که مقوی و مفرح دل باشد استعمال نمایند و به استماع

نغمه و سرود و مصاحبت معشوقان دلنواز علاج قوت دل کنند.

پنجم آنکه از زن کراهتی به دل طاری شود و بدان سبب نعوظ بر آن زن نشود علاج آن غیر از این نیست که اسبابی کوشند که کراهت از دل زائل شود.

ششم آنکه خوف و هراس زن محتشمه یا باکره به دل متمکن گردد بدین علت شهوت ضعیف شود علاج این هم غیر ازین نیست که تدابیر مناسب خوف و هراس را از دل دور کنند. و علاوه بر این دیگر اسباب ضعف باء هم بسیار است.

قسمت دوم که به سـبب اسـترضای آلـه ضعف درباره او پدید آید علاج آن است کـه به استعمال اطلیه‌دار دهند که مقوی عـروق و اعصاب آله باشد سعی نمایند تا قوت اصلـی عود کند و کسی کـه از روز خلقـت مبتـلای این مرض باشد چنین کس راغینین گوینـد و علاج چنین کس غیر ممکن است.

در علاج ضعف شهوت زنان و استحکام رحم که میل به اطراف نکند و مضیّقات فرج

گاه باشد که شــهوت زنـان زائـل شـود و از مباشرت نفرت کند عـــلاج ضعـف عـود هندی تخم گرم بوزیدان تخــم تـرب، شـلغم مساوی الوزن باریک کوفته و ریختــه بـه آب پیاز سفید با عسل خالص خمیر نمـوده و بـه مقدار یک درم حب ببندد تا سه روز هر روز یک عدد ناهار به آب حل کــرده بخـوردِ زن دهند به حدی شهوت زن به هیجان درآید که به طلب مردی و به دل اختیار کند.

اگر از آن حسب قدری به آب لیمون سوده به فرج زن چگانند **شهوت تمام بر او** استیلا نماید.

علاج استحکام رحم که میل به اطراف نکند بیاورد عقرب سوخته، سر خرچنگ بحری سوخته، حجر مقناطیس، زهره سنگ پشت بحری، سرگین سوسمار، بیخ درخت کنیر سفید، بیخ درخت قثاء الحمار یعنی کریلا هر یک را خوب باریک سائیده با روغن زیبق مخلوط کرده نگاهدارنده به وقت حاجت به قدر یک درم به پنبه کهنه بیالایند و بعد غسل حیض زن حمول نماید و پس از سه روز ساعت دور کند در سالی هفت روز این محمول را به

استعمال درآورد رحم نهایت محکم و قوی شود و از جای خود نجنبد و هرگز میل به اطراف نکند و به هنگام استعمال دوا از جماع پرهیز باید و آب کمتر خورد و از چیزهای ترش و سرد و شیز و جغرات و برنج احتیاط نمایند.

ایضاً استحمام رحم بگیرد سلیخه و شقاقل مصری و قنطوریون و انیسون و حماما و ابهل و اسطوخودوس و اکلیل الملک و خاکستر چوب انجیر هر یک دو و نیم ماشه خوب باریک کوفته با روغن زنبق آمیخته به پنبه کهنه آلوده قریب شام محمول نماید و صبح دور کند و بعد استعمال دوا وقت شب

آب نخورد و بهتر آن است که وقـت خـواب حمول نماید.

نسخه دیگر که منی زن زیاده کند و کمر را قوت دهد و شهوت زن برانگیزد، بیاورد تخم گندنَا تخـم تـره تـیزک، نخـود سـیاه، تخـم حرمل، حبته الحضرا، جمله ادویـه را بـاریک سائیده پارچه بیز کرده با عصل کـه هـم وزن دواها باشد معجـون کننـد قـدر شـربت پنـج ماشه به ایام اسـتعمال دوا از اغذیـه بـار ده و اقسام ترشیها پرهیز کنند.

نسخه مضیقه فرج گل پسته و گل دهـاو اهریک، یک و نیم ماشه خشک باریک سائده با حلوای تر آمیخته تا هفت روز ناهار بخورد کمال ضیق آرد و نشف رطوبات فرج کند.

ایضاً فرزجه مضیقه بیارد مازو و مائین و شب یمانی که به آتش بریان کرده باشند. گل دها، مساوی الوزن باریک سائیده به قدر دو ماشه خشک در لته کهنه حمول نمایند ضیق تمام آرد.

ایضاً زنی را که به هنگام مباشرت رطوبت از فرج وی زیاده‌تر روان شود به قدر دو ماشه گل ارمنی بخورد وی دهند که به آب فرو برد و دم الخوین باریک سوده با روغن بید انجیر حمول نماید تا سه روز جذب رطوبات فرج کنند. نسخه ایضاً فرزجه قویه که فرج را نگ و خوشبو نماید بیراند جرجیر سپاری و کفی مازو کات هر چهار اجزا را مساوی الوزن جو کوب کرده یک شبانه روز

در شیر ماده گاو تر کرده به طریق پتال جنتر
چوه بکشند و نگاهدارند به وقت حاجت به
قدر نیم ماشه در پنبه آغشته سه ساعت قبل
از جماع زن حمول نماید.

ایضاً قرزجه قویه بیارد مائین کلان باشد یا
خرو پهنگری بریان پوست بیخ جوانسا گل
وها و امساوی الوزن در آب بسایند که به
طور ضماد شود پس قدری از آن گرفته زن
در اندام نهانی خود بمالد و بعد از آن با آب
سرد بشوید ضیق تمام آرد.

در بیان غازه‌ها که رنگ بشره سرخ و سفید و روشن گرداند

بدان که چیزهایی که رنگ بشره نیکو گرداند
و چهره را روشن کند چندین دواهاست آرد
جو آرد باقلا آرد نخود آرد عدس آرد کرسنه
که بهندی متر گویند آرد برنج مغز بادام
شیرین و بادام تلخ هر دو مغز تخم خیار مغز
تخم خربوزه مغز تخم ترب مغز جوجیره
صدق سائیده قسط خردال سائیده زغفران
سفید آب قلعی نشاسته صمغ عربی گل سرخ
پوست نارنج طباشیر سفید زردچوب قاقلین
صندلین عوددار چینی سعدلسان العصافیر
کافور این جمله چیزهای واقع سواد چهره و
مصفی و مجملی رنگ بشره‌اند غازه که

کلفت دور کند. بوره ارمنی یکجز مغـز بـادام
شیرین دو جز هم دو را خوب باریک سائیده
و با روغن بـادام اگر میسـر باشـد بـهتر والا
روغن یاسمین وقت شب بمـالد و صبـح بـا
آب گرم رو بشوید همچنین هر روز به عمـل
آرد در چنـد روز تمـام کلفـها دور شـود و
چهرَه روشن و تابان گردد غازه که کلفـت را
دور نماید و رنگ بشره را روشن کند صفتـه
مغز تخم خربوزه پنجدرم تخـم تـرب تخـم
جرجیر کندس هر یک دو درم صبـح بطینـج
سبوب گندم بشوید چند روز همچنیـن کنـد
رنگ بشره روشن و صافی شود.

محبت

هرگاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور یک ورقه سفید و بر روی آن بنویس طلسم و عزیمت زیر را به زعفران و گلاب و باید در ساعت مشتری روز پنجشنبه نوشت و هنگام نوشتن باید بخور کرد به صندل سرخ و عمود خشبو و با طهارت باشی و سپس ورقه را در آب فرو کرده و باید بخورد مطلوب داد.

و این طلسم و عزیمت را باید نوشت

۷۸۶

۲	۱	۵	۶
۶	۵	۱	۲
۱	۲	۶	۵
۵	۶	۲	۱

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله یحب الله لشدید ۳ مرتبه

ه هی هی ۲۲۲ هی هی لا لا هی هی ه لا ه لا ه ل ۴ یا شکهینا ۳ مرتبه یا شلیقا ۳ مرتبه بحق محی ه سب و واه برحمتک یا ارحم الراحمین

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور ورقه ای سفید بر روی آن بنویس طلسم زیر را با آب (منی) یا خون بدنت و باید در مقابل مطلوب قرار گرفته عزیمت ذیل را ۲۱ مرتبه خوانده و بر رویش بروی و سپس ورقه را آتش می زنی همان هنگام واین عمل را باید در اول ماه در ساعت سعد انجام داد و بخور سوزاند هنگام این عمل به صندل سرخ و کندر و سوسن لبان و عود خوشبو و باید طالع طالب قمر در عقرب نباشد .

و این طلسم را باید نوشت

۷۸٦

و این عزیمت را ۲۱ مرتبه باید خواند .

أجیبوا یا منع الکفر و الضلال و الا یغضب علیکم القسیسونوالرهبان فان اجبتم راضین علیکم

باز کردن مرد بسته

هر گاه خواستی مرد بسته‌ای را باز کشی به اذن خدا و توکل به بر خدا باید بیاوری یک قطعه نان و به زعفران و گلاب و آب چاه عزیمت و طلسم زیر را نوشته و بخورد طالب باید داد و این عمل را باید ۷ روز انجام داد و در پایان ۷ هدیه به ۷ نفر بچه سید داد.

و این عزیمت طلسم را باید نوشت

۷۸۶

۷۶۲۱۱۷۸۱۶ی۱۴۹۱۱۶

۵۱۳۵۷۱۶۵۳۱۰۶۱۲ ۲۶۷۶۸۷۶۲

گشودم ——— مه ——— به اذن الله

به حکم حضرت سلیمان

یا شکیکفی یا قاهر و

جدایی

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر آنکه شخص مستحق آن باشد.

هر گاه خواستی بین دو نفر که رابطه حرام دارند جدایی بیفکنی بیاور یک عدد تخم مرغ گندیده و سپس بر روی آن بنویس طلسم زیر را به نیل و سرکه یا قلم مشکی و سپس آنرا در آتش قوی گذاشته و لاشه آن را در جلو درب منزل یا مکان یکی از طرفین باید دفن نمود و این عمل را باید در آخر ماه روز شنبه در ساعت زحل انجام داد و هنگام نوشتن باید بخور کرد به زردجوبه و چیز تلخی مانند سرکه و نمک و آب‌لیمو در دهان بگیری و انجام بدهی.

و این طلسم را باید نوشت ☜

۷۸۶

و ۹ ۱۵ مر ۱۶ و ۲ ع ۳۱۱ ع و ۱ ع

ی ح ط ۳۱ و ازی

۳ دود ۱۱ ط ۱۱۹ ۳۸ ۱۳ اعه داع

۳ اعه و اع و ا ۱۴ ا ۱۶ و ح

علی بعض لله شید

با ۳۰۰،۲۰،۱۰،۲۰،۸۰ ۱۰ تا ۱۱۰۰ ۸۰۰۲ با ۱۱۰۰ ۵ ۶۲۰۰

رویت در خواب

هر گاه خواستی مطلب مهمی را درخواب از آن مطلع شوی باید طلسم زیر را هنگام خواب در کف دست نوشته و نیت کند و سپس یک فاتحه برای پیغمبر و ۱۱ مرتبه سوره از لزلت را باید خواند و ۳ شب تکرار کند و در خواب حتماً مطلع می‌شود.

۷۸۶
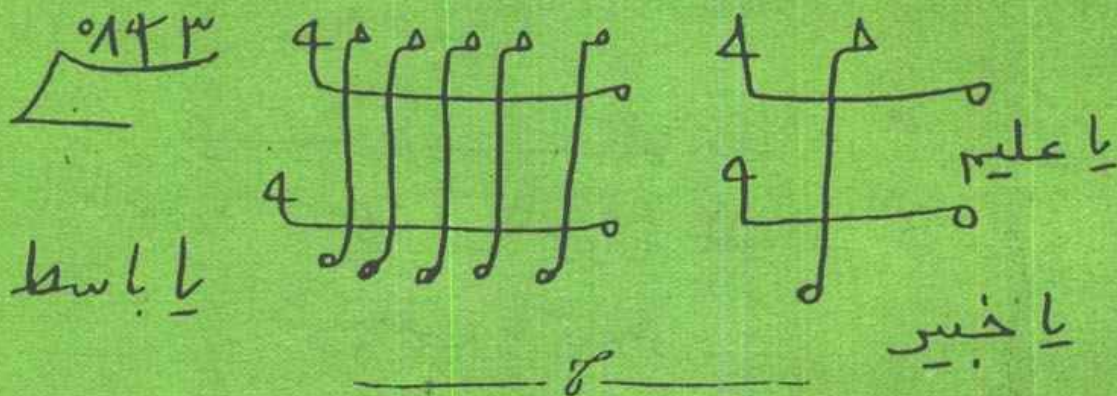
محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت بیقرار گردانی بیاور
یک کاغذ سفید و بر روی آن عزیمت زیر را نوشته و
سپس آنرا باید در آب روان انداخت
و این عزیمت را باید نوشت ~~ه

بسم الله الرحمن الرحیم

یا حنان یا منان یا دیان یا برحان یا سلطان یا ظاهر یا معنی
یا ودود یا ارحمه الراحمین

_____ ~~ه _____ عاشق و بیقرار _____ ~~ه _____ گردد

العجل ۳ الساعة ۳ العجل ۳ الساعة ۳

یا شکیکفی یا قاهرو.

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور یک لقمه غذای سگ و طلسم زیر را بر روی آن نوشته و بعد بخورد سگ باید داد و این عمل را در روز پنجشنبه ساعت مشتری اول ماه انجام داد.

و این طلسم را باید نوشت ☜

۷۸۶

اعطف قلب فلان زادفلان بیقرار و عاشق فلان زادفلان گردد

الوحا ۳ العجل ۳ الساعه ۳ توکل به این شکل یا ۲۰۰۴۰ ۱ ۳۰۱۰۱

سح سح سمع لا عح سلمه فتح معدصه ملله صلله علیه طیه مه اجلیث

۱۱۱۴۱۱۱۲۱۶۲۱۶۱۴۱۱۱۲۲۱ م ح ح ع ع ع ووع ع ه

زنمه زنمه زنمه ص م م م م ۲۸

یا ۳۰،۲۰،۱۰،۲،۸۰،۱ یا ۱۰،۱۱ لا ۲۰،۶

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق بیقرار گردانی بیاور یک نعل بر روی آن طلسم زیر را نوشته و بعد در آتش انداخت به مدت ۴۸ ساعت و بعد بیرون آورد و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

۲۲ ۱۱۶ ۱۱ ۱۱ و ۳ طا لا ۶ ۸ ع

ــــ ح ــــ عاشق و بیقرار ــــ ح ــــ گردد

۲۹۲ ک ۱۱۱ ا ک ۱۱۱ ۱۱۱۹۹۹ للح

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۳۰،۲ ۲،۱۰ ۸۰، ۱۰ یا ۱۰۰ ۱۱۸ ۶۲۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور ورقه سفید و بعد عزیمت زیر را به مشک و زعفران در روز نوشته و مقداری نمک داخل آن گذاشته و شب داخل آتش قوی باید انداخت و این عمل را ۳ شب انجام داد و در ساعت مشتری نوشت و از روز چهارشنبه شروع کرد.

و این عزیمت را باید نوشت

۷۸۶

سلع حلسها حلسها ما سعلهلح سمغ الهصلاسلو طوطوطرف طوف سلع فلان زاد فلان علی حب لشدید بیقرار فلان زاد فلان گردد. الوحا ۳ مرتبه العجل ۳ مرتبه الساعه ۳ مرتبه

یا ۰۰۳۰۲۰۱۰۲۰۸۰۱ یا ۰۰۱۱۵۰۰۲۶

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور یک قطعه سفال آب ندیده و برروی آن بنویس طلسم زیر را در روز چهارشنبه ساعت مشتری و شب آن را در آتش قوی بگذار و صبح خرد کرده سر راه مطلوب بپاش.

و این طلسم را باید نوشت ◌

۷۸۶

م۹۱۱۱۱۱ ط ۶۸ا سو ق ل

هــــــــــــــــــــــــ

م سو ۱۱۱۱۱ م ۱۱۱ ۹ ۹ ۹ و ۹ ۹

هــــــــــــــــــــــــ

ط ۱۱۱۱ ط ۶۸ ۰ ۴ ۶۱ ط ۶۱۱۱

طــــــــــــــــــــــــ

ط ۶ م ۱۱ م م ۹۴ فلان ابن فلان علی حب لشدید بیقرار و عاشق فلان زاده فلان گردد.

یا ۲۰۰ ۲ ۱۰۲ ۲ ۱۰۸ ۱۰ یا ۱۱۰۰ ۸ ۲۰۰ ۶

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور یک عدد شمع سبز رنگ که بزرگ و کلفت باشد و بر روی آن بنویس عزیمت و طلسم ذیل را و سپس آن را روشن کن و وارونه نگهدار تا به پایان برسد و این عمل را باید در روز یکشنبه و ساعت اول شمس انجام داد یا در شب ۱۴ ماه که کامل است در نیمه ها شب این عمل را انجام داد و هنگام نوشتن این عمل باید بخور کرد به کندر و صندل سرخ و سوسن لبان یا در شب جمعه در ساعت مشتری در نیمه شب باشد .

و این عزیمت و طلسم را باید نوشت.

۷۸۶

سالت الله بنقل ما تقلبی الی قلب فلان زاده فلان اللی علی قاسی و یحرق بنار الهجر حتی یقاسی فی محبتی مثل ما اقاسی توکل یا طحیطمغیلیال و سق لی عقله تافتراس بحق الواحد الاحد الصمد السهیمن تفکره بی اذا کان قاس

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۱۰۸۰۲۱۰۲۳۰۰

عزل و آواره گی دشمن

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر آنکه شخص مستحق آن باشد

هر گاه خواستی ظلمی را عزل و یا آواره کنی باید طلسم زیرا شسته و سپس آنرا بر درب منزل ظالم باشد و به مقدار ۷ قطره هم بخورد ظالم داد یا بر لباسش پاشیر و این عمل را باید در روز شنبه ساعت زحل در آخر ماه انجام داد و هنگام نوشتن زردجوبه به بخورد کرد.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

بحق یا جبار بحق یا شهید

ت ح خ ز ش ط ق
.... عزل و آواره گردد

یا ۱۰۸۰۲۰۱۰۲۳۰۰ یا ۵۱۱۰۰ ۶۲۰۰

محبت

هر گاه خواستی محبت کسی را به خود جلب کنی بیاور ورقه ای سفید و بر روی آن بنویس عزیمت زیر را و سپس آنرا در سقف منزل در یا بر شاخه ای از درخت که بلند باشد آویزان کن تا باد او را تکان دهد و هنگام نوشتن باید بخور کرد به لبان و جاوی و صندل سرخ و کندر و این عمل را باید در ساعت مشتری انجام داد.

این عملیات سه روز یا ۷ روز انجام می دهی یعنی بر ۳ یا ۷ شاخه درخت بلند آویزان می کنی.

۱۰۰ صلوات و یک فاتحه برای روح پیغمبر فرستاد.

و این عزیمت و طلسم را باید نوشت.

۷۸۶

فانهم ۶۳۸۱ ل ل علی ۳۳۱۲۸۲ ل ۲۳ ی ح ب و ن ه ه ک ح ب ا ل ل ه کذلک یحب فلان زاده فلان ابن فلایه بحق و سر هذا الطلسم الشریف الوحا ۳ العجل ۳ الساعه

۲ط ۱۱۶ ۳ عل ۳۳۱۲۸ل   ۴ ۸ ۲

رفا

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی طوری که دیوانه گردد بیاور یک تکه غذای سگ را و بر روی آن بنویس طلسم ذیل را و بعد سگ را یک روز گرسنه نگه داشته بعد به او خوراک بدهید .و این عمل را باید در روز پنجشنبه اول ماه در ساعت مشتری انجام داد و هنگام نوشتن بخور کرد به صندل سرخ و کندر و مقبل ارزق و در مکانی خلوت باشی و دور از مردم باشی .

و این طلسم را باید نوشت .

۷۸۶

ممه ممة بط بيطم يليع عط عطلس ااا اه

تقشف ملله ۱۳۱۳۱۱۱۱٤ اجيبوا وهيجوا كذا الى محبة كذا

الوحا ۳ العجل ۳ الساعه ۳

یا ۳۰۰ ۲۰ ۱۰ ۲۰ ۸۰ ۱۰ یا ۱۰ ۵۱ ۶۲۰۰

عزل و آواره گی دشمن

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر

آنکه شخص مستحق آن باشد

هر گاه خواستی حاکم ظالمی را عزل و آواره کنی بیاور یک قطعه خشت از خاک قبر کهنه درست کرده باشی و بر روی آن طلسم زیر را نقش کرده و در مکان دشمن باید دفن نمود

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

۴۳	۲۶	۴۹	۳۶
۴۸	۳۷	۴۳	۴۷
۳۸	۵۱	۳۴	۴
۴۵	۴۰	۳۹	۵۰

... عزل و آواره گردد

یا ۳۰۰،۲۰۱۰۲،۱۰۸۰ یا ۱۱۰۰ ۵ ۲۰۰ ۶

احضار جن

هر گاه خواستی جن احضار کنی اول باید نترسی دوم نیت پاک داشته باشی و بعد بیاور یک آفتابهٔ سفالی قرمز رنگ و بر روی آن بنویس عزیمت زیر را و بعد بر روی آن قسم زیر را ۲۱ مرتبه بخوان و بعد هنگام غروب خورشید در هنگام تاریک شدن در آن آب ریخته و در شب اول صبح سحر بخوان قسم را بروی آن ۲۱ مرتبه در زمان ظهر ۲۱ مرتبه و عصر ۲۱ مرتبه و در مغرب ۲۱ مرتبه و شب ۲۱ مرتبه و در آخر شب ۱۰۵ مرتبه.

و این عمل را سه روز الی ۷ روز تکرار می‌کنی و اگر اجابت نشد بر عکس انجام

می دهی و بخور کرده ه: گام خواندن ...
سوسن لبان و کزبره و کندر و سندروس و
سروه زلزال را تا اولا شتاتا بخوان یک مرتبه
و این عزیمت را باید ۲۱ مرتبه خواند ☜
اقسمت بالقسم السرمانی علی ملیحه القدر و
لتنظر ذات الحسن و الجمال النی اذا اسلبت
شعر دلالها ذاتها و اذا ابقسمت خرج من
فیها عامود کالنور الساطع اقبلی لمحبتی و
خدمتی أیتها الفاضله الطاهره این صواحبک
میمونه و یاقوته و زوئله و فاطمه السحانیه و
وقیه بقت الاحمر و یانوشه بنت شمر دیال
أقبلوا بابنات ملوک الجن سعط و ذم قی
مزحل ترقب افعلوا ما تؤمرون به الوحا
العجل الساعه.

باب محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق بیقرار گردانی بیاور یک ورقه سفید و بر روی آن طلسم و عزیمت زیر را نوشته و به زعفران وَ گلاب در ساعت مشتری روز پنجشنبه اول ماه باشد و قمر در عقرب نباشد و سپس آن را در منزل یا سر راه مطلوب دفن کن.

و این طلسم و عزیمت را باید نوشت ☜

وحمی فالزاجات زجرا فالثالیات ذکریا (الی قوله) یسرا یس و القران الحکیم بموقع النجوم و انه لقسم لو تعلمون عظیم بسوره الرحمن و المائده و الانعام و کل کتاب انزلته و فی ارسلته و وحی اوحیته و کل

اسم ظـاهر و بـاطن و بحـق هـذه الاسـماء
هیجوا کذا الی کذا بحق أهیاشـراهیا أدونـای
أصباؤت آل شدای الوحا العجل الساعه.
و در پایانه کار ۱۰۰ صلوات و یـک فاتحـه
برای پیغمبر بفرست

على كذا و اضربــوا بــاحراب و الدبابــهين و
ارعبوه و اسقسور

تفریق

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر
آنکه شخص مستحق آن باشد.

هر گاه خواستی بین دو نفر که با هم ارتباط حرام دارند جدایی بیفکنی بیاور یک مشت جو و آن را به دو قسمت تقسم کرده و یک قسمت را با موی سگ مخلوط کرده و مقدار دیگر را با موی گربه و عزیمت زیر را ۱۱ مرتبه بر روی آنها جدا جدا خوانده و یک مرتبه هم روی کاغذ نوشته و با هم مخلوط کرده مانند خمیر جدا جدا و هر قسمت را جدا جدا بخورد طرفین می‌دهی و این عمل را باید روز شنبه ساعت زحل

زبان بندی

هر گاه خواستی زبـان دشـمنان را بـر روی کسی ببندی یا آنکه به کسی حاجتی شـرعی را عـرض کنـی و ایشـان قبـول کنـد بیـاور ورقه‌ای سفید و بر روی آن بنویس عزیمـت زیر را و سـپس آن را مـوم سـفید گرفتـه و همراه خـود نـگه دارد در روز پنجشـنبه یـا یکشنبه در ساعت مشتری نوشت.

و این عزیمت را باید نوشت ☜

اخذت سمعهم و ابصارهم و علقهم حتـی لا ینطقون صم بکـم عمـی ۳ فـهم لا یتکلـون توکل یا عنقود بحق الایمان و العهود و بحق الاسم الذی تفجر منه الجمود اجب وتوکـل بعقد لسان کذا و کذا و خشـعت الاصـوات

للرحمن فلا ت سمع الا همسا و جعلنا مــن
ايديهم سداً و من خلفهم سداً فاغشـــينا هــم
فهم لا يبصرون أقبل و لا تخف نجوت مــن
القوم الظالمين اللهم اعقد لسان كذا من كــل
ناطق سزاً كذا و كذا و الله من ورائهم محيط
بل هو قرآن مجيد فی لوح محفوظ.

ارسال

هـر گـاه خواسـتی بـرا شـخصی پیغـامی را ارسال کنی در هنگام خواب عزیمت زیر را ۱۰۰۰ مرتبه بخوان و باید هر ۱۰۰ مرتبه که تمام شد ۱۰ بار سوره فاتحه را خواند و بعد شروع به ۱۰۰ مرتبه بعدی کرد و باید لبـاس و بدنت کاملاً پاک باشد.

و این عزیمت را بادی ۱۰۰۰ مرتبـه خوانـد ☚

هو تر ۲ قوش ۲ نفخ أتی أجـب یـا أمـی و البس الکف و فرق الاصابع بحـق مـن قـال السموات و الارض اثایا طوعاً او کرهاً قالنـا أتهنا طائعین، و بحق الاسم الذی اولـه آل و آخره آل و هو آل شلع یاه و اه بتکه بترکفال

رویت در خواب

هر گاه خواستی از نتیجه مطلبی مطلع شوی
در خواب باید ۲ رکعت نماز حاجت بجا
بیاوری هنگام خواب و با وضو در
رختخواب رفته و در کف دست راستت
عزیمت زیر را نوشته و باید شب دوشنبه
انجام داد و لباس و بدنتن کاملاً پاک باشد.
و این عزیمت را باید کف دست نوشت

بغلیشس طپلیه توکل

استخاره نامه

از قول امام ناطق جناب

امام جعفر صادق علیه السلام

باید یک حمد بخواند و سه قل هـوالله بخوانـد و این دعا را بخوانـد و سـه صلـواه بفرسـتد و بعـد انگشت بر سر حروفها بگذارد ولیک بد وخوب او معلوم شود و دعا این است که باید بخواند.

بسم الله الرحمن الرحیم

و عنده مفاتح الغیب من لا یعلمها و یعلم فی الـبر والبحر و ما تسقط من ورقـه الا یعلمـها و لا حبـه فـی ظلمـات الارض لا رطـب و لا یـابس الا فـی کتاب مبین بسم الله الرحمن الرحیم مـا شـاءالله لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم اللهم لک الدنیا و الاخره تعطی من تشاء و تمنع تشاء اللـهم غنی

الف آمد چه حاجت شرح کردن همه سـال جـهت عیـد
است نوروز الف باشد دیگر نیکوست کارت از این است
بخت دولت کشته بارت الف آمد بیشتر بخت تو فروز در
چراغ بخت دلت را برافراز امام می‌فرماید ای خداوند فال
بدان و آگاه باش که بسیار خـوب اسـت هـر کـاری که
خواهی بکن که کارت به خیری وخوبی بود روز بـه روز
کارت بالا گیرد و نیکوتـر گردد و چـراغ دل تـو روشـن
شود دشمنانت ذلیـل شـوند و دوسـت و دشـمن بـر تـو
محتاج شود و امسال بر تو مبارک باشد و رو به هر طرف
که آوری مرادت حاصل شود. انشاءالله.

ب

قوله تعالی بشیراً و نذیراً:

فالت ای برادر ب برآمد

نهال عمر دشمن بر سر آمد

چه‌حاجت‌دوستی‌ای‌صاحب‌فال

که‌چون‌قرعه‌زدی‌توب‌آمد

زحرف‌بی‌حدپیش‌را دارم

که چون‌قرعه‌زدی‌توب‌بر آمد

ای خداوند فال بدان و آگاه باش فال شعیب پیغمبر به فالت آمد. بشارت باد تو را که به این زودی چیزی به تو رسد که هیچ جز نداشته باشد و چنین می‌ماند که دل بکسی بسته دل خونش‌دار که مرادت به زودی برآید و الحال مدتی می‌شود که در کار خود سرگردان هستی و مطلبی داری اما غم را چون به دست تو می‌آید و از بزرگ تحفه بر تو خواهد رسید که خوشحال شوی و اگر ارادهٔ سفر داری برو که منفعت بسیار بر تو رسد. و شراکت و امانت داری مکن که بسیار بد است و یک مرتبه ضرر بسیار کشیدی فقیر شدی و از بلندی زحمت عظیمی گذراندی یک نشان یا خال در شانه یا در ناف داری نشان دولت است و چشم به تو کار کند باید همیشه دعای چشم نظر

با خود داشته باشی و دعای اسم اعظم با خود نگهدار تا در نظر مردم عزیز و محترم باشی انشاءالله تعالی

ت

الا ای آنکه تی‌در فال داری

بکن توبه اگر تو هوشیاری

برایت توبه فرمودند درین‌کار

خلاصی یابی از اندوه در کار

به جز توبه تو چاره دیگر نیست

چه استغفار کنی نیکو شود کار

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فال ابلیس بفال تو آمدست باید از این نیت که داری برگردی و توبه کنی و صدقه بدهی تا از غم خلاص شوی

و صبر نمایی. خوابهای آشفته می‌بینی از بگو مگو
یک مرتبه یک دردی کشیدی اما بخیر گذشت و
یک نشانی و خالی در فرق سر یا در گردن داری
و این نشان که دولتست امروز تا پانزده روز دیگر
یک خبر خوشحالی بتو خواهد رسید باید از نماز
کوتاهی نکنی و صدقه بدهی تا از بلاها ایمن
گردی انشاءالله تعالی.

ث

چه ثین آمد به فالت ای برادر
شود روشن همه کارت سراسر
به فالت ای برادر ثین برآمد
سخن کوتاه شد الله اکبر

ای خداوند بدان و آگاه باش که امروز تا بیست و
هفت روز دیگر کارت نیکو شود باید که در کارها
شتاب نکنی و اگر سفر در نظر داری برو که

نیکست، اما دو سه روز صبر کنی که از غایب
چیزی بتو رسد که خوشحال شوی و راز دل خود
با کس مگو تا از بلاها ایمن گردی دو سه مرتبه
دشمنان در حق تو جادو کردند اما بخیر گذشت
باید همیشه دعا با خود داشته باشی تا از شر
دشمنان در حق تو جادو کردند اما از شخصی
بلندقد و زرد رنگ حذر کن با تو دشمن باشد و
نشانی هم در صورت دارد اما نمی‌تواند با تو
کاری بکند، یک هفته دیگر یک خوشحالی بتو رو
دهد. و یکمرتبه درد عظیمی کشیدی اما بخیر
گذشت. یک نشانی یا خالی در گردن یا در سینه
داری این نسان دولت است و خود را از بزرگان
خود را نگهدار تا کارت نیکو شود. باید در کارها
شتاب نکنی تا بمراد برسی همیشه باید با تعویذ
باشی تا خداوند عالم تو را از شر دشمن و از

بلاهای گوناگون و از شر ظالمـان محفـوظ بـدارد انشاءالله تعالی

ج

چو جیم آمد به فالت ای نکوکار
بکن جهدی توانی تو دراین‌کار
چودولت روی آرد بر تو اما
که یابی نعمت بسیار بسیار
درین نیت که کردی سعی بسیار
کنـون تـا آخـر کـار
مشو غافل درین کار ای برادر
که تا یابی مراد خود به یک بار

ای خداوند فال بدان که فال حضرت موسی بفالت آمد هر نیت که کردی بسیار خوبست دست مکش جهد کن از پی این نیت برو تا هفده روز دیـگر از حال خود واقف کردی و اگر غایب داری بـزودی بیاید اگر بیمار داری تا شش روز دیگر شفا یابد از

هم درد تو را اینک دوا شد

اگر غایب کسی را داری بیاید

که دشمن های تو غرق بلا شد

به‌عیش‌وعشرت‌عزت‌آمدشادکامی

تـــن و جـــانـــت خـــدا شـد

ای خداوند فال بدان و آگاه باش فال تو فال حضرت ابراهیم علیه السلام است و این نیت که کرده‌ای بسیار خوبست و روشنائی در کار بارت پدید آید و بر دشمن ظفر یابی و از جانب غایب شاد گردی و عاقبت کار بمراد برسی و این نیت که کرده‌ای بئید بیرون کنی احمل مکن از پی این نیت برو اما شخصی که از اهل قلم بوده باشد منفعت او بتو رسد که از آن شاد شوی و بر قوم خود مهتر شوی و باید خیر خیرات به مسلمانان بدهی تا کارت نیکو شود چه می‌نماید. خالی یا

امروز تا دوازده روز دیگر چیزی از غایب بتو رسد چنان می‌نماید که درد پا و درد کمر بتو رسید. انشاءالله به می‌شود و از شخص سیاه چهره بلند بالا باریک اندام حذر کن تا مکر و حیله بر تو نکند و مدت سه ماه می شود که در کار خود سرگردان و حیران بوده‌ای اکنون طالع تو قوه گرفته است و کار و بار تو نیکو شود و از حرام پرهیز کن و صدقه بده استغفار کن دیگر چنان می‌نماید تو با کسی محبت داری اما او با تو روی نمی‌گوید در خیانت تو زنگ بزند که یک درد گلو کشیده باشی اما بخیر گذشته است و نشانی یا خالی در ناف یا در زیر زانو داری آن نشان دولت است در نماز گوتاهی مکن تا بمراد برسی انشاءالله.

ح

چو ح آمد دلت از غم رها شد

نشانی در پیشانی یا در کمر داری این نشان دولت
است و یک مرتبه درد دل و درد کمر کشیدی اما
بخیر گذشت و یک قران از بلندی یا از چهار پا
گذراندی این از چشم بد بود الحمدالله بخیر
گذراندی باید نصیحت از خودی بزرگتر را
بشنوی و همیشه دعای چشم نظر با خود داشته
باشید تا از شر حسودان محفوظ باشی

خ

چوخم آمد تحمل کن
تحمل نگردد مال ملک معمتت کم
چه خ آمد زبان خود نگهدار
که تا نبودن تو را رنج سبب غم
چه خ آمد خیانت کم کن ای مرد
که تا نبود ترا اندوه هم غم
ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فال زحل
بطالع تو آمدست، ستاره نحس است زینهار از این

د

چه حرف دال آمد أندرین فال

نکو گردد تو را کارت به هر حال

درین مدت مکن تقصیر ای دوست

دگرباقی تو خود می‌دان به هر حال

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فال حضـرت یوسف به فال تو برآمدست و دولت بـه تـو روی دهد بختت بیدار گشته است و چراغ تـو روشـن شده است احوال تو امروز بهتر از روزهـای دیـگر خواهد بود، اگر کاری یا مـهمی داری بـا صـاحب عقل مشورت کن و اگر اراده سـفر داری بـرو کـه کار به مدعای تو شود مبارک اسـت و اگر غـایب داری درین چنـد روز خـودش یـا چـیزی بـه تـو خواهد رسید و از آن خوشـحال گردی و در ایـن فال غافل مشو که کارت بسیار خوب خواهد شـد و از چشم بد زود به تو ضرر رسد و همیشـه دعـا

با خود نگهدار که از ضرر ظالمان و دشمنان ایمن باشی و چنان می‌نماید که سه فرزند طالع مند در طالع توست که دو نرینه و یک مادینه و نرینها بسیار صاحب دولت شوند بسیار مردمان از دولت آنها گذران کنند همیشه با ذکر خدا باش تا محفوظ باشی از دشمنان.

ذ

چه ذال آمد دلیل از تو شود دور

حسود دشمنانت گشته رنجور

بیابی شادکامی با دل خویش

ایا ای مونس دلهای پر نور

بکن تو سعی دراین فال بسیار

سعادت یابی از نزدیک و از دور

ای خداوند فال بدانکه حضرت محمد صلی الله علیه و اله به فال تو برآمده است و از همّ و غم نجات یابی و دولت و روشنایی به تو رو آورده باید که در نماز کوتاهی نکنی و از حرام پرهیز کنی و خود را نگه داری

از امروز تـــا هفـده روز دیـگر چـیزی بـه تـو رسـد کـه
خوشـحال گردی و از احـوال خـود خـبردار شــوی دل
خوش دار که کارت نیکـو شـود و مطلبـت برآیـد و اگر
اراده سفری در نظر داری برو که نفع بسیار بـه تـو رسـد
چنان می‌نماید که که دولت در سرت هســت و در طـالع
تـو هفـت فرزنـد می‌نمـاید هـم پسـر و هـم دخـتر و از
فرزندان خیر و بهره‌یابی و از رضای حق تعالی نگذر ولی
از جهت خود تعویذ نگهدار تـــا از دشـمنان و ظالمـان و
حسودان در امان باشی و از نماز کوتاهی مکن تا در نـزد
خداوند عزیز باشی چنان می‌نماید که یک قـرآن عظیمـی
گذراندی و تو و یک نشان و خالی در کتف یـا در گردن
داری که نشان دولت است و با هر کسی دوستی کنی جفا
بینی و از مکر زنان بدگویان حذر کـن تـا در بـلا نیفتـی
انشاءالله.

ر

چو ری آمد باشد شد حاجت

زدود بشد عیش نشاط

کام مقصود چه می‌آمد

تو اکنون سعی بنما

قدم بر نه که دولت روی بنمود

میان مردمان گردی سرافراز

تو بر قومی حکومت خواهدت بود

نبینی محنت اندوه جوری

به عیش خرّمی گردی تو مشهور

نگهدار تو شد الله معبود

ای خداوند بدان و آگاه باش که این نیت که تو کردی بسیار خوبست و مراد مقصودت برایت چنان می‌نماید که چیزی از زمین بیابی و اگر بیمار داری زود صحت باید اما دل تو درین کار مُشغولست اندیشه داری فکر بسیار مکن که کارهای تو همه بخیر خواهد شد اگر چیزی از دست تو رفته باز بدست تو خواهد آمد البته خوشحال باش و خاطر آسوده باش و آنچه غم اندو بود از تو گذشت بعد از این تو بر قومی مهتر خواهی شد و تمام خویش بیگانه محتاج تو شوند

و اگر نیت پیوند داری بکن که بسـیار خوبسـت و
از جانب بزرگی منفعت بسیار بتـو خواهـد رسـید
چنان می‌نماید که در طالع تو چند فرزند می‌نمـاید
که از ایشان بهره‌مند شـوی و خـالی و نشـانی در
صورت داری آن نشان دولتمندیست اما باید خـیر
و تصدق بدهی تا مطلبت حاصل شود انشاءالله.

ز

چه ز آمد به فالت ترس ازین نیست
ولیکن هیچ سودی در میان نیست
بگویم من از این نیت حذر کن
دیگر تعجیل کردن همچنان نیست
بصر صابری حاصل شود کار
ازین نیکوترم شرح بیان نیست
مکن تعجیل زینهار اندرین کار
شنو پندم اگر گوشت گران نیست
تحمل یا توکل ورد خود کن

ای خداوند بدان و آگاه باش و فال حضرت
یعقوب علیه السلام بفالت چنان می‌نماید که
دلشکسته و پریشانی و پراکندگی باید صبر کرد
کار بمراد برسد و اگر صبر نکنی و شتاب کنی
ضرر خواهی کشید و از شخصی سیاه چهره و
ارزق چشم حذر کن که با تو دشمن باشد ضرر به
تو نرساند و اگر اراده سفر داری مکن مرو خوب
نیست اگر پیش حکما باید بروی تنها صبر کن با
جمعیت برو و صدقه بده انشاءالله بخیر و خوبی
بگذرد اگر غایب داری امروز تا هشت روز دیگر
خبر سلامتی بتو رسد اما صحت و سلامت
می‌باشد ولی محنت بسیار کشیده است و عاقبت
او بخیر گذشته است و با مردم زمانه چند روزی
گفتگو مکن دعوا مکن حوصله مکن تا ستاره تو
از برج نحس بدر آید و صدقه بده مضایقه مکن
که رفع بلاست اگر خواهی که کارت بهتر قوت

گیرد دعای قرشیا و جوش‌کبیر با خود نـگه‌دار تـا
کارت با صلاح برآید و بر دشمن ظفـر یـابی و از
شر دشمن خلاص شوی دولت و خرمـی بتـو رو
آورده کارها بمراد تو شود انشاءالله تعالی.

س

چو سین آمد به فالت ای سرافراز
شده بیدار بخت تو دل‌افروز
مگو با هیچکس راز دل خویش
کشی تو هم ضرر آخر به تشویش
چه سین آمد سفر بسیار خوبست
پیاپی سود بسیاری دل خوش

ای خداوند فال بدان و آگاه باش کـه فـال قـارون
بفال تو آمدست بسیار مبارک و صاحب جمعیـت
خواهی شدن و بخـت دولـت تـو بیـدار اسـت و
ستاره تو در برج سعد است اگر چـیزی از دسـت

تو بدر رفته است باز بدست تو خواهد آمد و هر مرادی داری حاصل شود درین روی و در این نیت که کردی. جهد کن آنچه دلخواه تو است بعمل آید و مقصود تو حاصل شود اما باید که راز دل خود با کس نگویی اگر اراده شراکت با کسی داری مکن که سودی ندارد و چنان می‌نماید که در طالع تو چند فرزند می‌نماید و خداوند اولادی بتو دهد قرینه بسیار صاحب دولت شود بعیش و عشرت و خرمی بگذراند و دراز عمر باشد و خیر و خیرات و تصدق بده و تعویذ با خود نگهدار تا مرادت حاصل شود انشاءالله تعالی

ش

ش آمد به فالت صبر آمد
که خصمانت خصومت می نمایند
چه شین آمد شر شوری ببینی حذرکن
ورنه اندوهی فزاید درین نیت

بکن تعجیل ای دوست

بکن صبر که تا کارت فزاید

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فال تو ستاره مریخ است بسیار بد است با هر کس دوستی کنی با تو دشمنی می‌کنند و چند روز صبر کن و زبان خود را نگه‌دار دعوا مکن یک نفر از دوستان تو با تو در مقام دشمنی است می‌خواهد با تو جنگ نماید چند روزی صبر کن انشاءالله او با تو با صلاح آید سفر کردن و عقد کردن را توکل بر خدا کن تا مقصودت حاصل شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

که زبان خود را نگه‌دار با کسی جنگ مکن و راز دل خود را پنهان کن تا ستاره تو از برج نحس بدر آید و قوت گیرد چنان می‌نماید خال یا نشانی در بازو داری این نشان دولتست و یک قرانی در

حمام یا در نزدیک مدبخ بر تو گذشته اســـت و از
آن علت درد دل کشیدی الحمدالله بخیر گذشت و
فکر بسیار مکن که مال خوبی خواهی پیدا کــرد و
چند روزی صبر کن و حرز در بــازوبند و صدقـه
بده تا بمراد خود برسی انشاءالله تعالی.

ص

چو صاد آمد صبوری کن
صبوری که از حیرت زیان تو شودسود
بهر کاری که خواهی گشت مشغول
به‌صبرآن کارکردن‌بهتر از رود
درین نیت اگر صبری نمایی
مرادت می‌دهد الله معبود
مکن تعجیل زینهار اندرین کار
که کردی تو ز خوف ای بنده خوش بود
برو صبر تحمل ورد خود کن
اگر خواهی بیابی کارم مقصود

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فال حضرت صالح پیغمبر بفال تو آمده است و دلالت می‌کند که صبر و تحمل کنی و دل تو در این نیت مشغولست و بیقراری می‌کنی آنچه در دل داری بدست آوری باید صبر نمائی تا کار بمراد تو شود این فال حضرت صالح است که حضرت یوسف را بچاه انداختند حضرت یعقوب صبر کرد تا بمراد رسید. اما چنان می‌نماید که از جای بلند قران عظیمی گذراندی الحمدالله. بخیر گذشته است باید همیشه دعای جوشن داشته باشی در بازوی خود ببندی. خال یا نشانی در سینه داری آن نشان دولت است باید با کسی جنگ و خصومت نکنی که ضرر بسیاری خواهی کشیدن خودداری نما، چنان می‌نماید تا یک هفته دیگر از یک دوست خوشحالی بتو رسد در این روزها

خداوند اولادی بتو کرامت نماید که منفعت دنیا و آخرت تو باشد و قدمش مبارک باشد و خرمی و خوشحالی بتو روی دهد و بمراد مطلب خود برسی انشاءالله

ض

چو ضال آمد به فال تو سراسر
عجایب نیک باشد فال بنگر
مکن تعجیل کار خود به در بر
دیگر هر کار می‌خواهی بکن زود
غم دشمن مخور دلشاد بنشین
دهد خوش حالت الله اکبر

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که در این فال می‌نماید که در روشنائی و خرمی و خوشحالی بتو روی دهد در دولت دوست بروی تو گسترده شود و از شخص غایبی خرم شوی و چیزی از دست

نو بدر رفته و باز بدست تو آیـد و هـرگز ضـامن
مشو هر کاری خواهی بکن که مبارکست اما یـک
زن گندم‌گون با تو در مقام مکر و حیله اسـت و از
او دوری کن که ضرر او بتـو نرسـد از امـروز تـا
بیست و هفت روز دیگر از ایـن نیـت کـه کـردی
بمراد برسی و خوشحال شوی چند شب پیـش از
این خوابی دیده‌ای بسـیار مبارکسـت و بـه تعبیر
رسد

ط

چو ط آمد بفالت کن طهارت
پس آنکه کنی امامان را زیارت
چو ط آمد ایا فرخنده احوال
بپا کن توبه عصیان هم کار

به طاعت کوش تا یابی سعادت، ای خداوند فال بـدان و
آگاه باشد که حرف ط به فـال تـو آمـده اسـت و طلب
چیزی می‌کنی که به مطلب می‌رسی و مقصودت حـاصل

شود بشارت باد تو را که طالع تو از برج نحس بیرون آمده است و دل خود را خوش دار از امروز تا ده روز دیگر هر مطلبی داری به مطلب برسی چنان می‌نماید خالی و نشانی در بدن یا صورت داری که نشان دولتمندی است و یک قران در حمان یا در بلندی گذراندی الحمدالله بخیری گذشت و اگر غایب داری به سلامت به منزل آید و اگر اراده پیوند داری یا کار دیگر در نظر داری بکن بسیار خوبست مبارکست و امسال برای تو از سال دیگر بهتر خواهد بود انشاءالله و از همه کس بهتر خواهی شد چه خویش و چه از بیگانه و اگر سفر در نظر داری برو نیک است و به مراد برسی انشاءالله اما دعای چشم نظر با خود نگه دار.

ظ

چه ظ آمد بفالت حاصل آمد

هم دعوی دشمن باطل آمد

چه ظ آمد مخور غم عیش می‌کنی

تو را طالع چه حرف کامل آمد

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فال حضرت سلیمان علیه السلام به فال تو آمده است. این نیت که کرده ای بسیار خوب است کارت بالا گیرد و اگر نیت پیوند داری بکن مبارکست انشاءالله اگر بنای شراکت داری آنهم خوب است و مدعا تو بر آید و مهمات تو به خیر گردد و از غم اندوه فارغ شوی و از پهلو دوست هدیه به تو رسد و سفر کردن هم خوبست و چنان می‌نماید از امروز تا هشت روز دیگر مطلبت برآید. در نماز کاهلی و کوتاهی نکن و خیرات بده و دعای چهار قل را با خود نگه دار تا از شر دشمن و جمع بلاها محفوظ باشید.

ع

چو ع آمد علی از غم بد اندیش

بکن عیش نشاط از کس میندیش

چه ع آمد به فالت کام یاب شوی

صد ساله بر کام دل خویش

درین نیت که کردی عیش بنما

بکن این کار را بی‌چون تشویش

چه عین آمد درین نیت عمل کن

میار اندوه در خاطر کم بیش

مکن اندر خیر طاعت

به دست آور دل مسکین درویش

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فال علی ابن ابی طالب علیه السلام به فال تو آمده است دلالت می‌کند که بزرگی و صاحب حکمی به تو چیزی بدهد و تو خوشحالی شوی و دشمنانت کور شوند و دوستانت شاد شوند و در طاعت خداوند مشغول باشی تا مطلبست بزودی بر آید اگر غایب داری به سلامت باز آید و اگر اراده سفر داری سفر داری برو که بسیار منفعت به تو برسد و به سلامت بازگردی و به مراد و مقصود تو حاصل شود نیست که کردی سعی کن که مبارکست و اگر بیماری داری صدقه بده شفا یابد اگر مطلبی داری چیزی می‌خواهی البته به دست تو خواهد آمد. پیروی در این نیت به مراد برسی انشاء الله.

غ

چو غ آمد مشو زیر فال غمگین

فراغت پیشه کن دل شاد بنشین

ف

چو فی آمد فتوحی خواهد یافت

که صاحب دولتی هم دولتت بود

چه حرف فی برآمد کام یابی

میان سرفرازان نام یابی

همه کارت بشارت کام باشد

ز غایب ناگهان پیغام یابی

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فال بسیار نیکویی به فال تو آمده است دلالت می‌کند که هر کاری داری نصیب حلال تو خواهد شد و روشنایی در کار بارت پیدا شود و دولتمند شوی و در عیش و شادی بر روی تو کشیده شود و در این نیت که کرده‌ای یک جهت باش آنچه مطلب تو هست به دست تو آید اما نقل مکان کردن نشاید از جایی به جای رفتن خوب نیست و در نماز کوتاهی نکن و نذری در دل داری بده تا به

غم مخور و دغدغه به دل خود راه مده که روز به
روز کارت بهتر خواهد شد و مرادت حاصل شود
و از غم و اندوه نجات یابی و صاحب جلال
شوی اگر اراده سفر داری یا اراده پیوند داری بکن
که بسیار خوبست فرزندی خدای تعالی به تو
ارزانی خواهد کرد از او روزی بسیار بینی سعی
کن تا به مراد برسی انشاءالله.

ک

چو ک آمد کدورت می نماید.
به خصمانت خصومت می‌نماید
مرو گر عارفی در راه باطل
درین نیت کدورت می‌نماید

ای خداوند فال بدان و آگاه باش این نیت که تو
کردی کدورت می‌نماید زینهار بگرد این کار مگرد
که ضرر بسیار دارد و خود را از دشمنان نگه دار
چرا که دلالت می کند بر گرفتاری و بر پریشانی و

دل تنگی مکن از امروز تا هشت روز دیگر صبر کن و با کسی جنگ مکن تا از پریشانی خلاص شوی و بعد از این هر کاری که می کنی بکن که خوبست و از شخصی که صاحب تیغ تفنگ و صلاح است از او حذر کن و خود را نگه داری کن و این سفر بی‌خطر نباشد و اگر بیماری داری تا یک هفته طول دارد و بعد از یک هفته صحت یابد و سلامت شود اما صدقه بده تا رفع بلا شود و از این نیت که کرده با حذر باش که در بلا نیفتی و خیر خیرات بده تا نجات یابی انشاءالله.

ل

چه ل آمد لبت پر خنده گردد

تمام کارهایت زنده گردد

به این نیت که ل آمد به فالت

یقین دان طالعت فرخنده گردد

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فال حضرت
داود علیه السلام به فال تو آمده است پیش از این
نحسی در طالع تو بوده الحمدالله به خیر گذشت
و از نحس به در آمدی و حال روشنایی برآمدی
چنان می‌ماند که داری ز عمری و زیارت باد
نعمت و عیش و عشرت و خرمی دنیا از امروز تا
شش روز دیگر رو دهد و از حال خود واقف
شوی و کارها بسته تو گسترده شود و به مراد
برسی و اگر اراده پیوند داری یا اراده شرکت
داری بکن که بسیار خوبست و اگر گم کرده
داری پیش شود و اگر بیمار داری شفا یابد و اگر
غایب داری به زودی باز آید خوشحال شوی و از
او نفعی به تو رسد و اگر نیبت در دل داری برآید
دشمنان تو مقهور گردند و کارها به موجب
دلخواه تو شود و از جایی هیچ خبر نداشته باشی
راحت عظیمی به تو رسد البته خدای تعالی تو را

فرزندی کرامت بنماید و قدمش مبارک باشد و از شخصی ارزق چشم و سیه مو اندیشه کنی و دعای عزیز با خود نگهدار تا از شر جمیع دشمنان و ظالمان محفوظ باشی انشاءالله.

م

چه میم آمد حذر کن از ملامت

بگفتم شرح حالت را اعانت

حذر کن تو ازین احوال دانا

چه میم آمد همین بینی ملامت

درین نیت که داری توحذر کن

عدو بین از عدویان با ندامت

مکن دعوی به کس چون میم آمد

کزان دعوی ز پیش جز ملامت

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که این نیت کرده از ندامت و علامت خالی نیست، دلتنگی و پریشانی بسیار دارد زینهار ازین نیت بگذر و هیچ

کاری مکن که خیر در این نیست و سرگردانی داری تعجیل مکن باید صبر کنی تا کارت خوب شود صدقه بده تا از ضعف طالع به در آیی که در کار خود سرگشته حیرانی از غم عالم و اندوه خلاصی نداری اکنون چنین می‌نماید که در آخر ماه ستاره‌ات از برج نحس به در آید و از غم اندوه درآیی و دولت روی دهد اما بی مشورت کار مکن تا کارت به مراد تو شود و به مطلب برسی انشاءالله تعالی.

ن

درین نیت چه در کار تو نونست
به عقل عاقلان گوید که چون است
چه نون آمد تو هم روی باو کن
که او از دین نشانی است
چه نون آمد بکن عادت به قوت
به بخت دولتت را رهنمون است

در این نیت که کردی سعی بنما

که هر روزت سعادت بر فزونیست

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فالت بقـایت نیکو است و از این باز نگردد و فکری مکن که از این نیت مرادت به کل حاصل شـود و خرمـی بـر رویت گسترده گردد و دشمنان تـو ذلیـل گردن و ستارهٔ تو اوج گیرد و در کار خود سرگردان هستی و در فکر خیال هستی دل خوش دارد که طالع تـو قـوت دارد و سـتاره ات از بـرج نحـس بـه در آمدست و در سعادت به روی تو گسترده شـود و دولت به تو رو دهـد و از بـزرگی راحتـی بـه تـو رسد گاه‌گاه خوابهای آشفته می‌بنیی خوبسـت اگر سودایی داری و سفری داری برو به مراد خواهـی رسید انشاءالله تعالی.

و

چه آمد به فالت این خردمند

هم کارت به خوبی درکمالست

نیاز حاجتت با کس نباشد

تو را محتاج بر هیچکس نباشد

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فال حضرت نوح علیه السلام به فال تو آمده است دولت می کند بر شادکامی و خرمی و در شادی به روی تو گسترده گردیده و از غم و رنجها فارغ شوی و چون فال داود بر طالع تو آمدست و حاجت تو برآورده شود و دشمنانت کور شوند و آنچه از خدا طلب می‌کنی به دست تو آید و از بزرگی که اهل قلم باشد به تو راحتی رسد که از آن خوشحال شوی و کارت بالا گردد و دشمنان محتاج تو گردند و در آخر عمر کارت بالا گیرد و یک قران از سر گذرانیدی و نشانی و یا خالی در شکم یا در بدن داری که آن نشان دولتمندی است

و در نماز کوتاهی مکن و خیر خیرات بده تـا بـه مراد برسی انشاءالله تعالی.

هـ

تو ای جانا چه هـ آمد بفالت

مبارک باد دادیم سال ماهت

چو هـ آمد هر آن کاری که داری

نکوتر گشت اکنون کاربارت

چو هـ آمد حراس از کس نداری

بکن افزون شود هم جاه مالت

ای خداوند فـال بـدان و آگاه بـاش کـه فـال حضرتِ امام رضا علیه السـلام بـه فـال تـو آمـده است بسیار مبارک است و صاحب جمعیت و مال می‌شوی و در سعادت به روی تو گسترده شـود و از غیب به دست چیزی خواهد آمد اگر اراده سـفر داری بشارت باد تو را که بسـیار خـوش خواهـد گذشت و طالعت قوت گرفته است و مراد حاصل

شود اما بی دعا مباش و دعای گشایش را نگه دارد در نزد خودت تا کارت به مدعای تو شود انشاءالله.

لا

چو لا آمد به فالت ای خردمند

تو بین شور افکاری و حیران درین نیت

تحمل کردن اول بگفتم‌باتوریش‌یکی‌سراسر

تو میدانی که لا یعنی چه داره

همین تو باید ترک اینکار کنی خیرات

تو صدقه‌ام ده تا بر خیرت آید کار بسیار

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فال حضرت عزرائیل به فال تو آمده است بسیار بد است زنهار که از نیت بگذر تا توانی صدقه بده و خیر خیرات بکن تا کارت به صلاح آید و به خیر و خوبی میسر گردد و آنچه می‌توانی در راه خدا بده که جان خود و عیال فرزندان سالم ماند و بلا رفع شود و صدقه رفع هر بلا می‌شود و دعای قریشا

را با خود نگه دار تا از جمیع بلاها ایمن شـــوی و در امان خداوند باشی انشاءالله.

ی

چه ی آمد خبر یابی ز غایت

نمود بخت خود بیدار راهب

به هر کاری که خواهی گشت مشغول

تو خود را زود بر خوردار داری

مرادت حاصل است مخور غم

که بهبودی تو از این فال داری

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که این فال بسیار خوبست و تو را رعیش و عشرت خواهـــد بـود و در گشایش بر وی بـاز می‌شـود و اگر اراده پیونـد داری بکن که به غایت خوبست و اگر عـزم سفر داری برو منفعت بسیار به تو می‌رسد و هر مرادی که داری برایت چنان می‌نماید که دو سه مرتبـه و هم عظیمی کرده که کس با تو در مقـام دشـمن و

جنگ و خصومت بوده است اما غم مخور بـه تـو
کاری نمی‌تواند کند و خداوند تو را بـر او مسـلط
کرده است و مـراد و مطلبـی هـم در نظـر داری و
چشم انتظاری هم داری انشاءالله به مـراد برسـی و
کارت بالا گیرد و به مراد برســی چنـان شـود کـه
دوست و دشمن به تو حـیران شـوند و خوابـهای
خوب بسیار می‌بینی با کس مگو تا به تعبیر رسـد
و در نمـاز کوتـاهی مکـن خـیر خـیرات بـده تـا
انشاءالله به مراد و مطلب برسی انشاءالله تعالی.

هر که خواند دعای طمع دارم
من بنده گنهکارم باقی و سلام

احضار موکل

بدان که ملک یوناس حکیم و دکتر امـراض
ناعلاج مانند نازایی و غیره است.
و ملک طـارش ملـک عمارهـا اسـت و در
یافتن گمشده و دزد و غیره کمک می‌کند.
اما دیباج ملاک قرنا ـ فقطـش حکیـم جـن
است برای امراض .
هرگاه خواستی احضار کنـی بـاید بیـاوری
یک دختر نابالغ و در کـف دسـت راسـتش
یک ستارهٔ آبی یک دخـتر بچـهٔ نابـالغ و در
کف دست راستش یک ستارهٔ آبی نقش کن
و بعد در دستش یک فنجان بده و پر کن از
آب و بعـد بخـوان عزیمـت را روی آن ۴۱
مرتبه و باید در مکانی خلوت ایـن عمـل را

انجام داد و با طهارت و لباس پاک و منــدل
کشیده باشی و بخور کنی هنگام خواندن به
کندر و مستکی و کسبره و زعفران چند روز
قبل روزه گرفتــه و تــرک حیوانــی و غــیره
کرده باشی.

سوره یس

اولم یری الانسان (الی) علیم.

اگر دیر شــد و نیـامد عزیمــت را ۲۱ مرتبــه
بخوان و در سجود ۴۱ مرتبه عزیمت قبلــی
را شروع کن تا بیاید.

و این عزیمت را باید ۲۱ مرتبه خواند ☜
ویل لکل افاک اثیم (الی) اثیم.

فایده

با وجود طبع مطلوب نوشت هر دعا یا عزیمتی را و به نکات زیر توجه کرد.

اگر طبع مطلوب آتشی بود باید بر روی ورق مسی قرمز نوشت.

اگر طبع مطلوب خاکی بود بر روی سفال آب ندیده نوشت.

اگر طبع مطلوب بادی بود بر روی کاغذ نوشت در جای بلند آویزان کرده تا باد او را تکان دهد.

اگر طبع مطلوب آبی بود بر روی کاغذ نوشته و در آب حل کرده و به خورد آن بدهد.

حرکت سنگ

هر گاه خواستی سنگ بزرگی را تکان بدهی قرار بده دستت را بر دیوار سنگ و زور بده و عزیمت را بخوان تا او تکان بخورد.

و این عزیمت را باید خواند ☜

یاه قدوس قامت السموات و الارض بامره و السموات رفعها و وضعها بروجاً و وضعنا ها بامرنا و قدرناها بقدرتنا ارتفع ایها الحجر کما ارتفع عیسی بن مریع الی السماء باسم ادونای أصباؤت آل شدای ابل ایل آل آل قدوس قدوس بالاسم الذی أرتفع به أخنوخ ورالباس مکاناً علیاً أرتفع أیها الحجر عن هذا المکان بقدرة من یقول للشی کن فیکون و البخور اورالابخ و حرمل و وشوق و وبرجمل أسود صغیر یدق و یعجن بخضر عتیق و یجف فی الظل و یبخر به بالفرد.

آنست که اگر در عصبی از اعصاب سده
واقع شود حس آن عضوکه سده در آن واقع
شده یکسره باطل گردد و عضوی که مافوق
شده است حس آن باطل نشود و چون مقرر
شد که قوت حس و حرکت اعضا بواسطه
آن بخارست پس مادامی که آن بخار متوجه
ظاهر نباشد حواس خمسه ظاهر و معطل
ماند و خواب عبارت از آنست و سبب دیدن
چیزها در خواب بچند وجه است
فصل اول آنکه چون نفس در حالت خواب
از فعل خود باز ماند و حواس خمسه از
ظاهر از ادراک محسوسات معطل شوند
قوت متخیله لوح مشترک را از صور
محسوسات مدرکه حواس خمسه معطل

یافته اشباح و صور محسوسات را که در خزانه خیال متمکن است در لوح حس مشترک گرداند پس نائم بحالت نوم چیزها ملاحظه نماید.

فصل دوم آنکه در مزاج روح تغییری راه یابد و به علت آن چیزهای که مناسب موافق آن باشد ملاحظه کند مثلا اگر حرارت در مزاج غالب شود و آتش در خواب بیند و اگر برودت غالب شود و برف و سرما و اگر رطوبت مستولی شود باران و سیل و دریا و اگر یبوست غالب شود گرد و غبار و کوه و سنگ و امثال آن ملاحظه کند.

فصل سوم آنکه نفس بواسطه معطــل بــودن
حواس خمسه ظــاهر از ادراک محسوســات
متوجه به عالم روحانی شود و به چیزهای از
مغیبات مطلع گردد و همچنان بوقوع درآید.

بخش اول

خوابها صادق یا رویای معتبر

رویای معتبره یعنی آنچه در خواب دیده همچنان بوقوع نیاید بلکه بالعکس آن مرد حکیم و خردمند تعبیر آن نماید و آن تعبیر درست و صحیح آید و این قسم رویای عموم خلائق باشد.

بخش دوم را هیچ اعتباری نکرده اند.

بخش سوم نزد جمهور حکما معتبر است و این قسم را رویای صادقه گویند و نفس کسانی که به آلایشات دنیا کمتر ملوث باشد بدیدن رویای صادقه فائز شود و از شرایط صحت رویا آنست که مزاج بیننده مقرون

باعتدال باشد و گاه باشد که بنده در حالت
رنج و اضطرار و تعب و صعوبت متوجه
عالم علوی شود و مستدعی فیض و رحمت
را مبداء فیاض گردد و در خواب چیزی به
بیند که واصل الی المرام باشد و هر گاه
چیزی در خواب بیند و به تعبیر آن فرو ماند
که آن واقعه را با یکی از دوستان خود که
زیرک و خردمند باشد در میان نهد تا او
تعبیر نیک کند اثر نیک می‌بخشد در روایت
است که زنی بحضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم آمد و عرض کرد یا رسول الله
در خواب دیدم که دختری از بطن من
بوجود آمده و ستون خانه ام شکسته رسول
الله علیه السلام فرمود تو را پسری شود و

شوهرت از سفر باز آید و همچنین بوقوع
رسید بار دیگر آن زن همان خواب دید و
آمد تا از رسول علیه السلام تعبیر دریافت
کند آنحضرت را در خانه نیافت حال آن
خواب با یکی از مستورات حرم آنحضرت
در میان نهاد او تعبیر کرد که تو را دختری
بوجود آید شوهرت بمیرد بعد از آن رسول
علیه السلام بحجره آمد و آن زن حال واقعه
بعرض درآورد آنحضرت پرسید که تعبیر
این خواب از دیگری پرسیده گفت بلی یا
رسول الله آن حضرت فرمود که تعبیر همان
است و معبر باید که عالم و عاقل پرهیزکار
و است گو باشد و افشای سر کسی نکند و
پیوسته از حق تعالی هدایت و معاونت طلبد

تا به تعبیر خواب آنچه از اسرار غیب خبر
دهد بر منهج حق و راه صواب باشد و چون
بیننده خواب حال رویا از معبر عرض کند
معبر را باید که فی الفور که فی الفور این
کلمات را بر زبان آرد خیر لنا و شر لاعدائنا
و خوابیکه در روز بیند یا قریب ظهور صبح
اثر آن زودتر بوقوع آید و بعضی محققان
نوشته اند که هر خوابیکه بحساب ماه قمری
بدین ده تاریخ یعنی ششم و هفتم و هشتم و
نهم و دهم و پانزدهم و سیزدهم و نوزدهم
و بیست و دوم و بیست و هفتم ببیند صحیح
وصادق باشد و تعبیر آن درست آید و اگر
درین ده تاریخ یعنی غره و سیزدهم و
چهاردهم و بیستم و بیست و یکم و بیست

و پنجم و بیست و ششم و بیست و هشتم و
بیست و نهم و سی ام ببیند صادق نباشد و
تعبیر آن درست نیاید و درین شش تاریخ
یعنی چهارم و پنجم و یازدهم و دوازدهم و
شانزدهم و هفتدهم هر خوابیکه ببیند تعبیر
آن بعد دو ماه یا دو سال بظهور آید و درین
چهار تاریخ یعنی دوم و سوم و بیست و
سوم و بیست و چهارم هر چه ببیند تعبیر آن
بالعکس باشد.

بخش دوم

در تعبیر دیدن تجلی نور الهی و روحانیات و انبیاء و اولیاء و ملکوت و سلاطین و جنات و شیاطین و قیامت و حساب و کتاب و بهشت و دوزخ و مانند آن

اگر بخواب بیند که نور حق جل وعلا بر وی تجلی کرده کار او در دین و دنیا نیکو شود و در آن موضع که این خواب دیده باشد عدل و انصاف و فراحی نعمت پدید آید.

اگر بینند که حق تعالی او را حساب می‌کند شادمانی به او رسد.

اگر مسافر باشـد بـه سـلامت و خوشـحالی بخانه باز آید.

اگر بیند که بحضرت الـهی مناجـات و دعـا می‌کند نـام ان در دنیـا و دیـن بلنـد شـود و مقرب درگاه ملـوک و سـلاطین گردد و اگر بیند که حق تعالی برو غضبناک شده باید که عذر وتوبه بدرگاه الهی کند.

اگر از فرشـتگان مقـرب مثـل جـبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل را در شـادی و شادمانی دامی نیکویی بینـد در دیـن و دنیـا شرف و منزلت یابد و ابواب علم و حکمـت بروی او گشاده شود و از آفات ایمـن باشـد وا گر بیمار بود شفا یابد.

اگر در ترسی و غمی بوده از آن نجات حاصل شود.

اگر بیند که با یکی از ایشان خصومت می‌کند با عزرائیل یا میکائیل اجلش نزدیک رسیده باشد باید که از گناهان توبه کند و به درگاه الهی رجوع آرد و حکم عامه فرشتگان برین قیاس باشد.

اگر بیند که با فرشتگان در پروازست بدنیا شرف و کرامت یابد و عاقبت شهادت او را نصیب شود.

اگر بیند که در شهری یا دهی فرشتگان بسیار جمع شده اند عالمی یا عابدی در آنجا وفات یابد و یا کسی را به ظلم و تعدی هلاک کنند.

اگر بیند که فرشتگان از هر جانب در سرای
او می‌آیند خانه را از دزدان نگاه باید داشت.
اگر انبیاء و اولیا و ائمه را بخواب بیند تعبیر
مجمل آنست که اگر او در حالت نیکو و با
شکل و جمال پسندیده بیند دلالت بر
نیکوئی حال بیننده و یافتن شرف و جاه.
اگر به ترس روی وحشتناکی بیند تعبیر بر
خلاف آن باشد و نیز معلوم باید کرد که
حال آن نبی و ولی و امام در ایام حیات او
چگونه بود او را نیز همان رنج رسد و
عاقبت کار او نیکو شود و بر خصمان ظفر
یابد.

اگر محمد مصطفی صلوه الله علیـه و آلـه و سلم را بخواب بیند در لباس نیکـو و جمـال خوب و خوشالی.

اگر رنجی داشته باشـد از آن رنـج خـلاص یابد .

اگر درویش باشد توانگر گردد و حج گزاد.

اگر متغیر بودن و دلتنگ و رنجور بینـد دران ولایت در دین و شریعت ضعفی پدید آید و دیدن آنحضرت فی الجمله دلیـل رحمـت و راحت بوده خواه بزودی باشد خواه بدرنـگ آن راحت حاصل شود.

اگر بخواب بیند که باد شـاهی در محلـی یـا سرای می‌آید دران موضع زیان و آفتی نـازل شود و در جای که آمدن او غریب نباشد.

اگر بخواب بیند دلیل نعمت و دولت باشد

اگر پادشاه مرده را زنده بیند رسم و آئین آن پادشاه مرده در ملک جاری شود.

اگر بیند که با پادشاه بر سر خوان نشسته و چیزی می‌خورد و خوان در پیش او نبرد داشته باشد که چشم از خواب بیدار شوند دلیل درازی عمر او بود.

اگر خود را با پادشاه بیند و او لائق پادشاهی نباشد اگر بیمار بود اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیمار نبود از خویش و پیوند جلا شوند و اگر خود را با پادشاه بینداز از بند آزادی یابد.

اگر پیری را در خواب بینـد تعبـیر آن مثـل
تعبیر دیدن فرشتگان ست که بصدر مذکـور
شد.

اگر دشمنی در خواب بیند مکروهـی برسـد
اگر بیند که شیطان او را بفریفـت از مـال یـا
ولایت جدا ماند.

اگر کسی بیند که بـه شـیطان قـهر کـرد بـر
دشمن ظفـر یـابد اگر کسـی بینـد کـه او در
بهشت است و میوه های بهشت مـی خـورد
عالم یا عمل شود و بدنیـا و آخـرت محـترم
گردد و اگر خود را بدوزخ بینـد اگر متدیـن
باشـد از جملـه معـاصی بازایسـتد و اگر از
متصرفان دنیا بود سفر کند و اگر بیند کـه از

دوزخ بیرون می‌آید دلیل دینداری و پرهیزگاری بود یا از سفر معاودت کند.

اگر بیند که بدوزخ گرفتار رنج و بلاست آن رنج و مشقت دنیا بود. اگر قیامت در خواب بیند دلیل است بر عدالت پادشاه آن ولایت.

اگر بیند که او را بغیر نشدد و مناقشه به مواخذه محاسبه گرفتاراند دلیل یافتن مقصود بود در دین و دنیا.

اگر بیند که در محاسبه او را نشد و می‌کنند توقف حصول مراد باشد.

بخش سوم

در دیدن انسان و اعضا و آنچه ازو بیرون آید

اگر کودک خرد معلوم و معروف را بخواب بیند دلیل بشارت بود.

اگر بیند که او را در بر گرفته است مدبر مِلکی شود و اگر آن کودک معلوم و معروف نباشد یعنی نا آشنا بود اندیشه و غم برسد و دشمن ضعیف بیدار شود و اگر مرد بزرگ بصُورت کودکی بیند بحد بلوغ نارسیده کاری کند که موجب ملامت گردد.

گردد و اگر بترشرویی بینـد از وجـه معـاش
تنگ شود و رحمت و عسرت کشد اگر مرد
پیر را بخواب بینـد صـاحب تدبـیر و حیلـه
شود.
اگر نزار بیند به بزرگی رسد و اگر بینـد کـه
بزاز جامه میفروشد او را خصومتی پیش آید
اگر صراف را بیند شتابنده کارهـای نیـک و
بد شود و اگر صیـاد را بینـد روزی بمکـر و
حیله بدست آرد اگر آهنگری بخواب بیند یا
مردی غیر معروف و با قوت ملاقی شود.
اگر قصاب نا آشنا را بیند گویا ملک الموت
را دیده.
اگر دلال را بیند هـادی در کارهـای او پیـدا
شود اگر بیند کـه سـر از تـن جـدا شـده از

اگر بیند که بعضی سر او میرزند اما نه آن قدر که عیبی ظاهر شود وا گر دام دارد بگزارد.

اگر در رنجی و غمی مبتلا باشد نجات یابد و فرح و شادمانی حاصل آید اگر در میان موی سیاه موی سفید بیند فرزندی مقبول پیدا شود و اگر زن این خواب بیند شاید که از شوهر رنج و اندیشه باید.

اگر بیند که موی او را می‌تراشد امانت بگزارد و اگر درویش بود از افلاس برهد و اگر بیند که بدست خود می‌تراشد پرده او دریده شود و از مخدوم جدا ماند و اگر زنی موی سر خود را کشاده بیند اگر شوهرش غائب باشد حاضر شود و اگر شوهر ندارد

شوهر کند و اگر زنی بیند کـه مـوی سـر او
می‌تراشند شوهرش او را طلاق دهد .
اگر کسی موی سر زن خود را بریده بیند آن
زن دیگر نزاید.
اگر طوقی در گردن بیند کـه زشـت نمـاید
حقی بر گردن او بوده باشد.
اگر روی یا پیشانی یا ابروی کسی خـوب و
بزرگ بیند دلیل قدر و جاه و نیکوئی حال و
صحت آنکس باشد.
اگر زشت و ناقص بیند بخلاف آن باشـد و
اگر بر روی غبار بیند دلیل کفر و فساد بود.
اگر کسی بیند کـه چشـمی در دسـت وارد
مال نقد یابد و تاریکی چشم دلیـل روشـنی
بود در دین و دنیا.

اگر مرد درویش خود را نابینا بیند از سختی
افلاس خلاص شود و اگر کسی عـازم سـفر
باشد و خود را نابینا بخواب بیند باید کـه آن
سفر ترک کند.
اگر برود هرگز از سفر باز نیـاید اگر کسـی
در سفر باشد و خود را یک چشم زیاده بیند
راه گم کند.
اگر مقیم چنین بیند باید که در نـگاه داشـتن
مال احتیاط بلیغ کند.
اگر بخواب بیند باید که در نگاه داشتن مـال
احتیاط بلیغ کند و اگر بخواب بیند که سرمه
در چشـم می‌کشـد در اصطـلاح کـار دیـن
کوشد و در چشم مردم عزیز گردد.
اگر بدست خود سرمه بیند مال یابد.

اگر زبان خود را دراز بیند سخن بسیار گوید و اگر زبان خود را بچیزی بسته بیندیا از دهان بیرون افتاده دلیل آفت و رنج باشد.

اگر بیند که بر زبان او موی برآمده همان تعبیر باشد اگر بخواب بیند که ملاذه فرو آمده است چنانکه خلق را می‌گیرد دلیل تنگی نفقه و قرب اجل باشد دندان دلیل باشد بر اهل بیت بیننده چهار دندان پیشین دو زیر و دو بالا که آنرا ثنا یا گویند فرزندان و برادران و خواهران باشند و رباعیات که پیوسته است به ثنا یا منسوب به غم و حال باشد و اینا ب که پیوسته اند برباعیات منسوب به مهتران فتیله و طواحن که بدان طعام خایند منسوب به خویشان بالا با

خویشان پدر و زیرین با خویشان مادر و
بعضی گویند جانب راست از زیر و بالا
منسوب بخویشان پدر و جانب چپ از زیر
و بالا منسوب به خویشان مادر.
اگر بخواب بیند که دندان او غائب شده آن
دندان بموجب مذکوره بالا با هر که منسوب
است آنکس غائب شود.
اگر کسی بیند که دندانی را بآسانی بدست
خویش بیرون آورد فرزندی باشد یا برادری
یا مالی یا منفعتی.
اگر خللی در دندان بیند اگر دندان با هر که
از ایشان منسوب است او را خللی رو دهد
و نیکوئی و روشنی دندانها دلیل بر نیکوئی
احوال شناس منسوب آن دندانها باشد.

اگر بیند که دندانهای او افتاده دلیل است که
عمر صاحب داندان کــه بـه آنـها منســوب ا
ست دراز شود
اگر بیند که دندان او از زرست دلیل مرض و
گفتگوهاست.
اگر بیند دندانش از چوب یا آبگینه یــا مـوم
است دلیل وفات آنکس باشد.
اگر بیند کــه گوش او جـدا شـده دخـترش
بمیرد یازن را طلاق دهد.
اگر بیند که گوش پــاک می‌کنـد خبرهـای
خوش بشنود.
اگر خود را کر بیند نقسـان در دیـن و علـم
باشد اگر بیند که مورچه به گوش او مـی‌رود
دلیل مرگ بود.

اگر بیند که دست او را بسته اند بیکار یا بی
دین شود.

اگر بیند که دستهای او خشک یا سست شده
یاران او را فرو گزارند. اگر بیند که دستهای
او بسیار شده کارهای نیکو کند به شرطی که
آن کس با صلاحیت بوده باشد.

اگر مفسد باشد در فتنه و فساد و زیاده تر
خوض و تلاش نماید.

اگر بیند که یکدست خود را خضاب کرده
یعنی به حنا رنگ کرده دلیل است که به قتل
کسی اقدام نماید.

اگر بیند که هر دو دستها را خضاب کرده
در طلب و تلاش معیشت رنج و زحمت
بکشد.

اگر کسی بیند که ذکر او بسیار شده فرزندان او بسیار شوند.

اگر بیند که ذکر او بریده شده با فرزندش بمیرد یا از عمل معزول شود.

اگر زنی بیند که او را ذکر بهم رسیده.

اگر آبستن باشد پسر زاید و آن پس مهتری یابد و اگر آبستن نباشد هرگز بازنگرد.

اگر خود را در خواب شادمان بیند در بیداری رنج و زحمت کشد .

اگر در خواب اندوهگین بیند در بیداری مسرت و شادمانی او را حاصل شود.

اگر کسی بجای ذکر خود فرج بیند در کار خود فرو ماند.

اگر با ذکر فرج بیند از غم و الم نجات یابد

موی زهار اگر اندک بیند مال حلال و طیب حاصل شود.

اگر بسیار بیند مال حرام حاصل آید ران و ساق خود را.

اگر کسی قوی‌تر بیند عمرو معیشت او افزون شود.

اگر کسی بیند که در میان خون می‌غلطد بدولت و نعمت رسد.

اگر بجامه خود خون بیند و نداند که آن خون از کجا رسیده او را به دروغی متهم کنند.

اگر کسی بیند که خون کسی می‌خورد مـال حرام یابد و یا از ارتکاب گناه بـاز ایستد و دیدن ریم در خواب همین حکم دارد.

اگر زنی خود را حـائض بینـد و در حیـض نباشد گناهی از او صادر شود.

اگر بیند که غسل کـرده از گنـاه پـاک شـود خواه مرد باشد خواه زن.

اگر کسی بول یا غائط در خواب بینـد مـال حرام یابد.

اگر بیند که بول می‌کند اگر مبتلا به رنـج و غم بوده باشـد از آن نجـات یـابد و اگر وام داشته باشد بگزارد.

اگر بیند که بجامه بول کرده دلیل است بر آنکه او را پسری بوجود آید یا با زنی نامحرم زنا کند.

اگر زنی بیند که بجامه بول کرده شهوت او زیاده شود.

اگر زنی بیند از جای بول او خون برآید فرزند او در شکم مادر هلاک شود.

اگر بیند که قی می‌کند از مناهی توبه کند یا از کاری که کرده باشد پشیمان شود.

اگر بیند که بر کسی خیو یعنی تف می‌اندازد و آنکس را که برو تف انداخته گزندی و آزاری رسد.

اگر بیند که لعاب از دهن او بسیار می‌رود مال بسیار بدست آرد و ضایع کند.

اگر بیند که از بینی او خون می‌آید مال حرام یابد اگر پادشاهی چنین بیند از گناه باز آید.

اگر بیند که از همه تن او عرق روانست حاجتی که داشته باشد زود بر آید.

بخش چهارم

در بیان تصرفات انسان باعضای خود و باعضای دیگران

اگر کسی بیند که او را ختنه می‌کنند از گناه پاک شود و سنت بگزارد و مسواک کردن نیز همین تعبیر دارد و اگر بیند که غسل می‌کند حاجت او روا شود و از اندیشه و غم بیرون آید و اگر بیند که بخواب وضو می‌کند امانت بگزارد و اگر بالای خود را زیاده از اندازه بیند اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر به اندازه زیادتی قدر و منزلت او شود اگر کسی خود را کوتاه قد بیند دلیل ذلت و حقارت باشد اگر کسی خود را دیوانه بیند

بیند که مـرده را درکنـار گفتـه یـا دسـت در
گردن او انداخته دلیل درازی عمـــر او باشـد
اگر بیند که مردمان شهر بـا همدیـگر جنـگ
می‌کنند در آن شهر قحط افتد و اگر بیند کـه
با پادشاه جنگ می کند دلیل فراخی دولت و
نعمـت بـود و اگر بـاران در خـــواب بینـد
لشکری دران مقام نازل شـود و گریختـن از
مصاف و رزمگاه دلیـل کامیـابی باشـد و اگر
گریز از مقابل دشـمن بیخـوف و بیـم باشـد
دلیل است بر مرگ اگر بیند که برده خریـده
او را شادمانی حاصل شود و بـرده فروختـن
دلیل غم یا گواهی دروغ باشد اگر کسی بیند
که او را می‌فروشـنـد اگر درویـش باشـد بـه

نعمتی رسد و اگر منعم باشد به رنجی مبتلا شود و بیمار را دلیل صحت باشد.

اگر بیند که زن خود را طلاق داده به توانگری رسد.

اگر بیند زنی خواسته است به قدر جمال آن زن دولت و جمعیت او را حاصل شود.

اگر زنجیر در گردن بیند زن بد سیرت به نکاح او درآید.

اگر بیند که کسی را گردن زدند سر او جدا شده اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دام دارد بگزارد و یا حج بکند اگر جماعت کشتگان را به خواب بیند گمراهان و اصحاب بدعت را دیه باشد اگر بیند که مرده او را می‌خواند اما صورت مرده به نظر نیاید فقط آواز

بشنود و عقب آواز روان شود اجل او رسیده باشد اگر مرده را خفته یا برهنـــه بینـد دلیـل راحت مرده است در آخرت اگر کسی بینــد که گور می کند خانه نو تعمیر کند.

اگر در خــواب بینـد کـه او را کشـته انـد از مردمان ثنا و تحسین خود بشـــنود اگر بینـد که مصحف می‌خواند آثار حکمت ازو ظاهر شود اگر بیند که بانگ نماز بی وقت می‌دهد به جور ظالمی مبتلا شــود و اگر آواز بـانگ بشنود او را به چـیزی متـهم کننـد کـه از آن بیگناه بود و اگر بانک می‌دهد و راه مـی رود حج بگزارد و اگر خود را بیمار بیند بـه امـن و امان باشد و مقصود حاصل شود اگر بینــد که روزه داشته از کارهای ناشایسته باز ایستد

بخش پنجم

در دیدن جانوران

اگر خود را بر اسبی نشسته بیند دولت و حکومت او را حاصل شود.

اگر خود را بر اسبی ردیف دیگری بیند به سعث آنکس که ردیف او شده حاکم ملکی شود با نیابت او کند.

اگر بیند که اسبی با روباهی یا شهری درآید بزرگی در آید بزرگی در آنجا وارد شود اُستر در خواب دیدن دلیل سفر باشد.

اگر بیند که بر استر کسی نشسته است مردی غیر با زن آنکس خیانت کند اگر کسی خر با بار بیند از بخت خود نفع یابد و دیدن شیر

خر بر خورداری بود و اگر بیند کـه خـر یـا اسب یا اشـتر فـرود آمـد بـه مقصـود خـود برسد.

اگر کسی خود را بر شتر نشسـته بینـد دلیـل سفر باشد اگر بیند که او را شـتران بسـیارانـد دلیل حصول ملک و ریاست باشـد اگر بینـد که شتری عقب او می‌آیـد از بـلای احتیـاط باید کرد.

اگر شتری پربار در دهی یا شهری درآیـد در آن ده یا شهر مرض یا فتنـه واقـع شـود اگر کسی بیند که او گاوی یافته به اندازۀ فربـهی گاو نفع یابد.

اگر بینـد کـه گاوان زرد و سـرخ پـر بـاری خداوند در شهری یا موضعی می‌روند در آن

اگر بیند که موش طعام یا چیزی از خانه او خورده دلیل بر نقصان عمر او باشد گرگ پادشاه ظالم بود و روباه مرد مکار و فریبنده دیدن مار دلیل بر دشمنی است و چندانکه مار پر قوت بود دشمن قوی باشد و اگر مار مطیع و منقاد خود بیند به دولت رسد.

اِگر بیند که ماری برو افتاده از پادشاه رنجی به او رسد و اگر بیند که بسیار ماران گرد او فراهم آمده‌اند و هیچ آسیبی نمی‌رسانند دلیل است که صاحب لشکر شود و کژدم دلیل بر غیبت دشمن بود دیدن زنبور و مگس مردمان سفله و سخن چین باشد.

اگر بیند که مورچه‌ها در سرای او می‌آیند دلیل رسیدن مال باشد و دیدن فوج ملخ

دلیل بر لشکر بیگانه باشد باز وعقاب و
شاهین و کرکس و چَرَغ پادشاه قوی و پر
قوت بود اگر از ایشان گزندی بیند از پادشاه
رنج رسد.
اگر ناراحتی بیند از پادشاه راحت یابد
سیمرغ مرد عابد و زاهد باشد و طاووس
پادشاه عجم و کلنگ مردی مسکین خروس
غلام و ماکیان کنیزک و کبک زن نیکو و
باعصمت باشد اما ناموافق بود غلیواز دلیل
بر بیماری دراز باشد بوم دزد با شوکت باشد
هدهد مردی عالم وصالح خطاب عزیز و
اقارب شنیدن آواز بسط در خواب دلیل بر
آواز مصیبت زدگان باشد ماهی اگر یک یا
دو باشد دلیل زن بود و اگر بسیار باشد و

بخش ششم

در تعبیر دیدن آثار علوی

میغ یعنی ابر پادشاه یا حاکم مهربان یا عالم با عمل باشد و میغ با رعد و برق پادشاه با هیبت وصولت بود.

اگر بیند که ابر روی هوا را فرا گرفته باد و صاعقه همراه آن نباشد از حضرت باریتعالی رحمتی نازل شود باران اگر عام بود رحمت الهی است و اگر در محله یا سرای ببارد دلیل بیماری در فتنه است.

اگر بیند که از باران عام تا درآنها جاریست همه غمها و رنجها ازان دیار زائل شود اگر بیند خاک و ریگ می‌بارد نعمت و روزی بر

مردم فراخ شود برق اگر با ابر باشد دلیل نعمت و رزق روزی است و اگر به غیر ابر باشد دلیل عقوبت و سیاست بود.

اگر بیماری باران یا رعد بیند شفا یابد و اگر دام دارد بیند دام بگزارد و اگر محبوس بیند خلاص یابد سیل دلیل است بر دشمن و از سیل در گذشتن دلیل است بر رهایی از مکائد دشمن هوای سرد و نرم دلیل راحت و شادمانی است و هوای تند و زرد و غبارآلود دلیل وقوع آفت است آتش زبانه دار.

اگر بیند دلیل جنگ و خصومت باشد و اگر بی زبانه باشد دلیل وبا و طاعون است نعوذبالله منها صاعقه اگر توانگر بیند به

درویشی رسد و اگر درویش بیند و به استعانت پادشاه و رزق و روزی او فراخ شود.

دیدن شهاب دلیل است بر نیست و نابود شدن منافقان اگر آسمان بیند رفعت و بزرگی حاصل شود.

اگر بیند که به طرف آسمان می‌پرد سفر دور و دراز کند و از آن منفعت یابد اگر بیند که نزدیک آسمان رسیده در دین و دنیا بزرگی یابد دیدن آفتاب دلیل است بر پادشاه والی ملک اگر خود را در نور آفتاب بیند حال او نیک شود.

اگر گرد آفتاب ابر و تاریکی بیند به کار خود اندوهگین و اندیشناک شود دیدن ماه دلیل

بخش هفتم

در تعبیر دیدن آثار سفلی

دیدن زمین دلیل بر نعمت و دولت باشد اگر بیند که بر زمین بنایی طـرح می‌کنـد نعمتـی یابد که در آن کـار دنیـا سـازد و یـا علمـی حاصل کند که از آن کار دین بسازد.

اگر زمین به لزره بیند آفتی از پادشاهان ملک بدو رسد .

اگر بیند که زمیـن می‌کنـد و خـاک کنـده را می‌خورد به مکر و حیله مال حاصل کند .

اگر بیند که زمین را طی می‌کند دلیـل اسـت که اجل او قریب است.

اگر بیند که زمین می‌کند و آب بیرون می‌کشد معاش از وجه حلال حاصل کند

دیدن کوه دلیل است بر پادشاه بزرگ سنگدل.

اگر بیند که بر سر کوهی میرود آن کوه همت بیننده بود و به قدر بلندی کوه بر مطلب بلند کامیاب شود.

دیدن راه مستقیم دلیل است بر دین و اسلام و راه کج و ناهموار دلیل بر بی‌دینی است.

اگر بیند که از دریا آب برداشته یا آب برداشته یا آب خورده از پادشاه یا حاکم مال و دولت حاصل کند.

اگر خود را در کشتی بیند از آفات محفوظ باشدو در کار بزرگ خوض و تلاش کند.

اگر بیند که بر آب دریا می‌رود و بر پادشاه بزرگ غالب شود و اگر بیند که از کشتی بکنار آمده بر دشمن ظفر یابد و خود را بدریا غرق دیدن دلیل است که به محاسبه پادشاه با خود شود و دیدن موج دریا رنج و مشقت باشد دیدن حوض و برکه و چشمه دلیل است بر خیر و برکت و نعمت و جاه پر آب نیز همین قیاس است.

اما اگر چاه انباشته بیند مال جمع کند و دیدن شهر و قلعه و حصار اهل دنیا را دلیل امن و امان ست و اهل دین را دلیل پرهیزگاری سرای دنیا باشد.

بخش هشتم

در دیدن باغ و بستان و اقسام فواکه و مانند آن

دیدن باغ دلیل بر دنیاست و درختان عبارت از زنانست خرابی حال درختان دلیل است بر نیکویی حال زنان و طراوت و تازگی با گل و باریدن درختان است بر نیکویی حال زنان برگهای درختان درم و دینار باشد درخت خرما مرد عالم با عمل باشد دیدن خرما دلیل است بر مال حلال و سخن خوش شنیدن نیشکر خوردن در خواب دلیل بر سختی باشد که مردمان را خوش آید انجیر روی حلال و مال طیب و طاهر باشد.

بخش نهم

در دیدن معدنیات

دیدن زر دلیل است بر حاصل شدن غم و الم.

اگر بیند زر می‌ریزد دلیل آفت و هلاکت بود.

اگر بیند که زر بامانت به کسی میدهد آن کس باو خیانت کند دیدن نقره و نیل بر مال حلال باشد دیدن گنج دلیل است علم و منفعت و بعضی معبران به غم و اندوه و مرگ استدلال کرده‌اند دیدن یاقوت دلیل است بر عیش و عشرت بوجود آمدن فرزند شایسته و بدست آمدن زن با جمال و لعل

توانگر به نکاح درآید یا فرزندی شایسته پیدا

شود.

بخش دهم

در تعبیر دیدن آلات و ادوات

دیدن قلم در خواب دلیل است بر اجرای امر و نهی و دوات دلیل است بـــر کنیزک و زن حامله و منفعت از زن مالدار دیدن مصحـف دلیل است بر حصول میراث و ادای امانت و بدست آمدن روزی حلال چراغ دلیل اسـت بر تن آدمی و چراغدان روح او در روغـن و فتیله رطوبت تن چون چـراغ افروختـه بینـد دلیل تندرستی و درازی عمر باشد انگشت و خاکستر و غبار دلیل است بر اندیشه بیفـایده و خصومت و بیماری مقراض دلیل است بـر قاضی و رئیس که قطع و فصـــل خصومـات

بخش یازدهم

در تعبیر دیدن اطعمه و اشربه و ملبوسات و عطریات و غیره

دیدن نان پاکیزه و چرب دلیل است بر عیش و عشرت و مال حلال و شهر آبادان و نان خشک بالعکس آن باشد دیدن نانهای بسیار دلیل است بر کثرت باران و دوستان گوشت خام دلیل است بر مال حرام و گوشت پخته و بریان مال پادشاه دیدن انگبین مال حلال و یا خیر و برکت باشد دیدن شکر و قند و جمیع جلویات دلیل است بر سخنهای خوش و فرزندان خرد و منفعت بسیار دیدن جلالت یعنی شیره قند دلیل است بر سخن

خوش و مال و علم و ادب و دینداری و بیشتر شیرینی ها همین تعبیر دارد وشراب سیب و انار و آبی و امثال آن نیز همین تعبیر دارد شیر حیواناتی که گوشت او حلالست دلیل باشد بر روزی حلال و کار نیک و طریق پسندیده و شیر ترش بضداین بود و شیر جانورانی که گوشت آن نخورند دلیل ست بر اندیشه و بیماری و دوغ و پنیر و جغرات و غیره دلیل باشد بر حدوث غم و اندیشه روغن مسکه مال و علم و خیر و منفعت باشد خمرب مال حرام بود و سرکه مالی باشد با خیر و برکت .

اگر مستی از شراب ببیند توانگری باشد از مال حرام و خون ریختن بناحق زهر خوردن

اگر پاکیزه باشد تعبیرش مثل تعبیر دستار و کلاه ست موزه و کفش زن بود کنیزک و خدمتکار و مال نیز باشد و جمله چیزها پوشیدنی کهنه دلیل غم باشد و نو دلیل شادمانی اما موزه مستعمل بهتر از نور باشد.

استخدام موکل

هر گاه خواستی موکل در اختیار کنی و او را در امور زندگی و حل مشکلات شما را یاری کند باید اول ۹ روز را روزه گرفته و از روز یکشنبه شروع کنی و در این مدت ریاضت کشیده و ترک جمالی و جلالی نمود و خود را در داخل مندل دور از مردم و مکانی خلوت و با طهارت و لباس پاک مشغول به عبادت می‌شوی و بعد در این مدت باید بخور کرد به سندرس و مقبل ارزق و در این مدت آخر شب‌ها سمت قبله نشسته عزیمت را تکرار می‌کنی و هنگامی که او احضار می‌شود او را نمی‌بینی و اما او با تو صحبت می‌کند و تو بایستی سؤال کنی

و جواب می دهد و بعـد از هـر نمـاز ۲۷۷ مرتبه می‌خوانی عزیمت را و در شـب آخـر شب ۱۲۸۵ مرتبه می‌خوانی.

و این عزیمت را باید خواند ☜

عطیش ۳ شطیش ۳ قواس ۳ اجب یاخادم ۳ هـذه الاسـماء ۳ بحقـها علیکـم و طاعتـهما الدیکم ۳ الوحا ۳ العجل ۳ الساعه ۳

قسم عظیم

هر گاه در اعمال خود احساس کردی که علمت صحیح بوده ولی اجابت نشد دعایی در حق خودت یا کسی اول دو رکعت نماز حاجت به جا می‌آوری و بعد ۱۰۰۰ مرتبه استغفرالله و اتوب الیه می‌گویی و بعد ۱۰۰۰ مرتبه یا وهاب می‌گویی و بعد عزیمت زیر را ۱۰۰ مرتبه بخوان و یک فاتحه و ۱۰۰ صلوات بر روح پیغمبر و امام حسین و حضرت عباس بفرست مطمئن باش که کارت اصلاح می‌شود و دعایت اجابت حق می‌شود.

و این عزیمت را باید نوشت ☜

تربوس تزس قرس قراوس کهرس کهروش
طکهاس یارخ باروخ ارح ملیـح کـهطوس و
هیس أیتـها الارواح الروحانیـه و الملائکـه ا
لربوئیون توکلوا یفعل کذا و کذا.

میرداماد جلد هشتم

* * *